

به مناسبت اول ماه مه

روز را در صفوف متشکل و متحد به روز تجدید پیمان با یکدیگر در راه مبارزه برای صلح، آزادی و دفاع پیگیر از حقوق صنفی و سیاسی خود تبدیل می کنند. در میهن مانیز با وجود همه دشواری ها و یورش همه جانبه و دایمی نیروهای ارتجاعی به جنبش کارگری، همواره جشن اول ماه مه برگزار شده و خواهد شد. امسال نیز سرمداران رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی و ارگان های سرکوبگر با توسل به شیوه تهدید و ارباب خواهند کوشید تا مانع برگزاری مراسم اول ماه مه بقیه در صفحه ۸

کارگران و زحمتکشان ایران! فرارسیدن جشن اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت)، روز همبستگی بین المللی کارگران را به شما مدافعان پیگیر آماج های مردمی انقلاب بهمین و مبارزان پیشرو و ثابت قدم راه آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی و صلح شادباش می گویم.

اول ماه مه عید کارگران سراسر جهان است. در این روز کارگران کشورهای سوسیالیستی دستاوردهای عظیم و تاریخی خود را به معرض نمایش می گذارند. صدها میلیون کارگر در کشورهای سرمایه داری این

اکثریت

نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

دوشنبه ۹ اردیبهشت ۱۳۶۴ برابر ۲۹ آوریل ۱۳۸۵
بها ۴۰ ریال - سال دوم - شماره ۵۴

فروش سهام کارخانجات دولتی به کارگران عوامفروبی تازه، براساس یک تجربه کهنه

رشد و گسترش جنبش مطالباتی و اعتراضی طبقه کارگر و مقاومت و مبارزه آن با سیاستهای بغایت ضد مردمی و استقلال بر باد ده رژیم "ولایت فقیه" از طریق بکارگیری سلاح کارای اعتصاب و کم کاری، مسئولان رژیم را بر آن داشته که برای مهار و جلوگیری از این روند بنیان کن به ترفند جدیدی متوسل شوند.

رژیم این بار به ظن خود برای تحقیر کارگران و تخریب آید ثلوثیک در جنبش کارگری و خدمت بیش از پیش به کلان سرمایه داران، مسئله طرح "فروش سهام کارخانجات دولتی به کارگران" را پیش کشیده و جار و جنجال تبلیغی وسیعی حول آن به راه انداخته است.

در نیمه اول اسفند ماه روزنامه کیهان با نمایندگان مجلس و با وزیر کار به مصاحبه در مورد "فروش سهام کارخانجات دولتی به کارگران" پرداخت و در ادامه آن کردهایی ۸ اسفند ورزشگاه آزادی ترتیب داده شد، هم اکنون نیز "خانه کارگر" کارگران را به جلسه "تشریک مساعی و شناخت نحوه مشارکت گسترده کارگران در صنایع" دعوت کرده است. (جمهوری اسلامی ۲۸ فروردین)

مسئولین رژیم در جار و جنجال های تبلیغی سعی می کنند خود را مدافع کارگران و باصطلاح دلسوز به حال آنان نشان دهند و در این راستا اکنون در بقیه در صفحه ۵

درباره مواضع و موقعیت گروه های چپ

در صفحه ۱۰

در این شماره:

از بنیانگذاری جمهوری شوروی سوسیالیستی

آذربایجان ۶۵ سال گذشت

در صفحه ۱۱

* * *

اعتراف رژیم

به پیروزی اعتصاب کارگران ذوب آهن

در صفحه ۳

* * *

مردم علیه جنگ

در صفحه ۶

اعلامیه ای از لنین آموزگار بزرگ کارگران جهان

۲۲ آوریل (دوم اردیبهشت) مصادف بود با صدوپانزدهمین سالگرد تولد لنین آموزگار کبیر پرولتاریا و اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) مصادف است با روز همبستگی بین المللی کارگران و زحمتکشان سراسر جهان. ما برای بزرگداشت این دو روز گرانقدر، از نزدیکی آنها به یکدیگر الهام گرفته و در زیر اعلامیه ای به قلم ولادیمیر ایلچ لنین راجع می کنیم که در ۱۵ آوریل ۱۹۰۴ نگاشته شده است. این اعلامیه پرشور یک سند برجسته تاریخی است، شهادی است بر این که لنین چگونه به وضوح آینده را در برابر خود مجسم می دیده است و چگونه ۱۲ سال پیش از انقلاب اکتبر، با اتکا بر آموزشهای مارکس و انگلس، درک عمیق خویش از نقش دورانساز پرولتاریا و پراتیک زنده انقلابی، به کارگران روسیه و کارگران سرتاسر جهان توفیق پیروزی می دهد و آنها را فرامی خواند تا برای پیکار نهایی آماده گردند.

بقیه در صفحه ۱۴

مصاحبه "اکثریت" با دکتر آناهیتا راتب زاد عضو دفتر سیاسی حزب دموکراتیک خلق افغانستان



همان گونه که در شماره گذشته گزارش کردیم رفیق آناهیتا راتب زاد در ماه گذشته برای انجام چند سفرانی و شرکت در جشن همبستگی با مردم افغانستان به سوئد مسافرت کرده بود. در این کشور خبرنگار "اکثریت" با اغتنام فرصت با این رفیق گرانقدر مصاحبه ای انجام داد.

رفیق آناهیتا راتب زاد در آغاز گفتگو پیرامون زمینه های شکل گیری و تحقق انقلاب در افغانستان سخنانی بیان داشت و ضمن آن اشاره کرد که تحلیل ها و گزارش های مندرج در نشریه کار و نشریه اکثریت در این زمینه مدجانبه بوده و خوانندگان آنها می توانند دریابند که انقلاب دموکراتیک در چه شرایطی به وقوع پیوست و چه دستاوردهایی ببار آورد.

ما ضمن ابراز امتنان از رفیق راتب زاد که با وجود ضیق وقت با خبرنگار ما به گفتگو نشست، توجه خوانندگان را به این مصاحبه جلب می کنیم.

بقیه در صفحه ۱۲

دکتر آناهیتا راتب زاد در مصاحبه با خبرنگار اکثریت

فرخنده باد اول ماه مه روز همبستگی جهانی کارگران!

برگزاری جشن اول ماه مه، یک سنت دیرپاست

بقیه از صفحه اول

برگزاری چنین مراسمی بود که اول ماه مه را در ایران تثبیت کرد، آن را برای همه کارگران و زحمتکشان ایران به یک روزآشنا بدل ساخت و گرامی داشت آن را به یک سنت تبدیل کرد.

در سال ۱۳۲۷ با غیرقانونی اعلام کردن حزب توده ایران و سلب خشن حقوق دموکراتیک و آزادی‌های سیاسی از سوی رژیم سرسپرده شاه، جنبش کارگری مورد تهدید و یورش قرار گرفت. اما کارگران تا سال ۲۲ هر ساله این روز را به طور علنی و آن گونه که خود می‌خواستند، جشن می‌گرفتند. از جمله در ۱۱ اردیبهشت سال ۱۳۲۰ به دعوت کمیته تدارک جشن اول ماه مه، بیش از ۸۰ هزار نفر از کارگران و زحمتکشان، در میدان بیمارستان تهران گرد آمدند و روزهمبستگی جهانی کارگران را با شکوه خیره‌کننده‌ای - که به شدت در چشم دشمنان مردم گران می‌آمد - جشن گرفتند.

با کودتای ۲۸ مرداد ۲۲ به جنبش کارگری ایران نیز ضربات سهمگینی وارد آمد. در سال‌های پس از ۲۲ کارگران ایران ناگزیر شدند به واسطه خفقان حاکم بر جامعه بار دیگر جشن اول ماه مه را دور از چشم دژخیان امپریالیسم و مزدوران ساواک، تحت شرایط مخفی و به طور پراکنده در انبار کارخانه‌ها، در خانه‌های در بسته و در باغ‌های متروک جشن بگیرند. طی سال‌های خفقان از ۲۲ تا ۵۷، انقلابیون کمونیست و کارگران مبارز و آگاه، در سخت‌ترین شرایط و با حداقل امکانات حتی در زندان، این روز بزرگ را با ایمان خلل‌ناپذیر به پیروزی کارگران و زحمتکشان جهان جشن می‌گرفتند.

با انقلاب شکوهمند بهمن، کارگران و زحمتکشان و در پیشاپیش آن‌ها انقلابیون کمونیست، پس از سال‌های خفقان با آغوش باز به استقبال این روز فرخنده شتافتند. برگزاری جشن‌های اول ماه مه در سال‌های ۵۸ و ۵۹ و آخرین آن در سال ۶۰ نقطه عطفی پرشکوه در برگزاری و بزرگداشت این روز در تاریخ جنبش کارگری میهن‌مان بودند. میتینگی که در سال ۶۰ در میدان آزادی به دعوت سازمان ما برگزار شد به رغم اوباشگری‌های ایادی ارتجاع و امپریالیسم شکوه خیره‌کننده‌ای داشت.

در پی تهاجم سبعانه سردمداران جنایتکار و مرتجع ج.ا. به حزب توده ایران و سازمان‌ها به مثابه دو گردان رزمنده و پیشاهنگ طبقه کارگر ایران - اینک نیز کارگران و کمونیست‌های میهن‌مان مجبورند، جشن اول ماه مه را دور از چشم مزدوران رژیم و ساواک جمهوری اسلامی، در کنج کارخانه‌ها و خانه‌ها و در محافلی محدود و نیز در درون زندان‌ها برگزار کنند. حکام خائن ج.ا. در شرایطی که هرگونه حرکت کارگری را با توحش کم‌نظیری سرکوب می‌کنند، تلاش می‌ورزند از روز اول ماه مه، به سود اهداف پلید خود بهره‌برداری کنند. رژیم مستبد و ارتجاعی، می‌خواهد، این روز را به عرصه کینه‌توزانه‌ترین تبلیغات ضد کمونیستی تبدیل نماید و آن را وسیله‌ای برای اثبات "برادری" کلان سرمایه‌داران غارتگر و کارگران قرار دهد. تجربیات چند سال اخیر، به روشنی نشان می‌دهد که آنچه ضد کمونیستی است، نمی‌تواند ضد کارگری نباشد. این تاکید درس‌های دایمانه انگلس، آموزگار فرزانه پرولتاریای جهان است: "کمونیسم مغز جنبش است و پرولتاریا قلب آن".

نمود. روز سوم ماه مه، جشن کارگری در تهران در نزدیکی دروازه دولت در باغی به طور مخفیانه برگزار شد. اتحادیه در آن روز این باغ را اجاره کرده بود و بدان جهت جشن را به روز جمعه انداخته بود، که عده بیشتری از کارگران بتوانند در آن شرکت نمایند. این مراسم از صبح تا عصر ادامه داشت و با سخنرانی و خواندن سرودهای انقلابی همراه بود.

در سال ۱۳۰۸، به مناسبت اول ماه مه، در آبادان کارگران تظاهرات عظیمی به راه انداختند که طی آن هزاران نفر کارگر نفت، علیه شرکت امپریالیستی ایران و انگلیس دست به اعتصاب زدند. هجوم گسترده ارتش رضاخان به خوزستان، و سرکوب این حرکت کارگری، کارگران نفت را از ادامه مبارزه باز داشت و آن‌ها به اشکال مختلف به مبارزات خود ادامه دادند. با گسترش نفوذ و حیطه فعالیت حزب کمونیست، رضاخان برای متلاشی کردن حزب و تشکیلات کارگری تحت رهبری آن، در سال ۱۳۱۰ "قانون سیاه" را به تصویب رساند. سال ۱۳۱۰ آخرین سالی بود که حزب کمونیست ایران توانست رساجشن روز اول ماه مه را برگزار کند.

پس از درهم شکسته شدن دیکتاتوری رضاشاه، هر چند که سرکوب جنبش کارگری به اشکال نوینی ادامه می‌یافت، با این همه، جنبش کارگری تحت رهبری گردان پیشاهنگ آن - حزب توده ایران - از رشد چشمگیری برخوردار بود و جشن‌های اول ماه مه هر سال، با شکوه بیشتری برگزار می‌شد. یکی از بزرگترین جشن‌های روز کارگر بعد از سقوط رضاخان و تأسیس حزب توده ایران، در سال ۱۳۲۴ از سوی شورای متحد مرکزی اتحادیه‌های کارگران و زحمتکشان ایران با شکوه فراوان برپا گشت. سال بعد بر شکوه و گستردگی این جشن افزوده گردید به طوری که ۷۰۰۰۰ نفر در آن شرکت جستند.

گل‌هاست

کارگر هائیم ما، انشای دنیا، کارماست
و آنچه هم در جمله عالم هست بر پا کارماست
اینهمه آلات جنگی را که صنف مفتخور
کار اندازد به ضد توده ما، کارماست
این همه زندان و بندی را که نسل رنجبر
جان دهد در آن، به نفع صنف دارا، کارماست
بی وجود ما، چو هیچ اسباب کسب علم نیست
میتوان گفتن که اصلا علم دانا، کارماست
هر چه صنعت، هر چه نعمت، در همه عالم بود
ز اول دنیا و از این بعد و حالا، کارماست
و حدت صنفی، میان توده زحمت بود
برج ایفل، خانه‌های شرق اقصاء، کارماست
محو این دنیای ظلم و خلق دنیای نوی
خالی از هر صنف و بی‌اعلی و ادنی کارماست
شاعر شیرین زبان پارس، می‌دانست کاش
کاب رکن آباد و کشتشت مصل، کارماست
شعر لاهوتی چه خوش، ثابت کند کاندید جهان
تاج قیصر، تخت خاقان، طاق کسری، کارماست
لاهوته ۱۹۲۳

پنج قاره جهان، آتش جاودان همبستگی همه کارگران و زحمتکشان جهان را شعله و رتر می‌سازد

اینک ۹۵ سال از برگزاری نخستین جشن اول ماه مه در جهان و متجاوز ۶۵ سال از برپایی این جشن در کشور ما می‌گذرد. طبقه کارگر ایران به مثابه بخشی از اردوی رزمنده جنبش جهانی کارگری، از همتامی که در کشورمان موجودیت یافته است، همواره، تحت شرایط مختلف، و به طرق گوناگون این روز خجسته را گرامی داشته است. در سال ۱۳۹۹ جشن اول ماه مه برای نخستین بار در ایران تحت شرایطی برگزار شد که ۱۴ سال از انقلاب مشروطیت و تشکیل انجمن‌های سوسیال دموکرات به رهبری حیدرخان عموآغلی می‌گذشت و استبداد فئودالی در اثر مبارزات توده‌ای تضعیف شده و طبقه سرمایه‌دار و طبقه کارگر ایران تا حدودی شکل گرفته بود.

چندی از تکوین جنبش نوپای طبقه کارگر ایران نگذاشته بود که با کودتای انگلیسی ۱۳۹۹ رضا خان، سرکوب جنبش آغاز گردید و از آن سال به بعد، به سبب شدت و فشار دیکتاتوری، تنها در سال‌های معدودی کارگران توانستند به طور جمعی این روز بزرگ را گرامی بدارند و جشن بگیرند. در سال ۱۳۰۰ که هنوز جنبش جنگل در گیلان سرکوب نشده بود، کارگران در شمال این روز را جشن گرفتند. در سال ۱۳۰۱ که شورای مرکزی اتحادیه سراسری رهبری مبارزات طبقه کارگر را عهده‌دار بود، جشن اول ماه مه را سازمان داد. پس از سرکوب جنبش جنگل و از هم پاشیدن کمیته‌های حزبی در گیلان، رضاخان به جنبش کارگری و کمونیستی ایران یورش آورد. در سال ۱۳۰۲، روزنامه "کار" ارگان علنی شورای مرکزی اتحادیه سراسری این روز را به کارگران تبریک گفت و از آنان خواست که روز اول ماه مه را هر چه پر شورتر جشن بگیرند. جشن کارگری در این سال هم برگزار شد. حزب کمونیست از این سال تا ۱۳۰۶، خصوصاً پس از تاجگذاری رضاخان در ۱۳۰۴، و حشیانه مورد سرکوب قرار گرفت و بیشتر اعضا و فعالین آن یا مجبور شدند به خارج مهاجرت کنند و یا دستگیر شده و در زندان‌ها و تبعیدگاه‌ها به دست مزدوران رضا خان کشته شدند. طی این سال‌ها کارگران مجبور شدند بزرگداشت اول ماه مه را در باغ‌ها یا در خارج شهر بطور مخفی و محدود برگزار کنند.

مدتی پس از یورش رضا خان به جنبش نوپای کمونیستی و کارگری ایران، در اواخر سال ۱۳۰۵ حزب کمونیست مجدداً توانست در تهران تشکیلات خود را سازمان دهد و در آستانه اول ماه مه ۱۳۰۶ تقریباً تشکیلات منظمی به وجود آورد. فعالیت سندیکایی و اتحادیه‌ای احیا گردید. شورای مرکزی اتحادیه سراسری مجدداً تشکیل شد. در طول این یک سال، اتحادیه توانست تجدید حیات یابد و به استقبال روز اول ماه مه ۱۳۰۷ بشتابد. اتحادیه ارگان علنی حزب کمونیست بود و به وسیله حزب رهبری می‌شد. در اوایل سال ۱۳۰۷ حزب شبنامه‌ای با امضای اتحادیه مرکزی خطاب به تمام کارگران ایران منتشر کرد. این بیانیه کارگران را به اتحاد و مبارزه علیه امپریالیسم و همبستگی با کارگران جهان دعوت

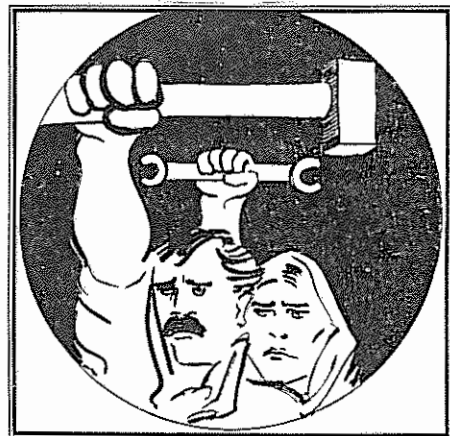
اعتراف رژیم به پیروزی اعتصاب کارگران ذوب آهن

مسئولین رژیم جمهوری اسلامی که نهایت تلاش خود را کردند تا خبر اعتصاب عظیم کارگران ذوب آهن در آذرماه سال گذشته در جایی در زنگنه اکنون مجبور گشته اند به این اعتصاب و عقب نشینی خود در برابر حرکت غرور انگیز کارگران ذوب آهن، اعتراف کنند.

کمال گنجی ای قائم مقام وزارت کار و امور اجتماعی در یک مصاحبه مطبوعاتی که در کیهان ۲۸ فروردین درج شده است؛ در این مورد چنین می گوید: ذوب آهن شرایط خاصی در زمان تاسیس داشت. در آن زمان قرار شد در ذوب آهن کارگر به کار گرفته شود یک عده از کارگران را در قسمت تولید رسمی کردند و عده ای دیگر را در رابطه با گسترش کارهای ساختمانی به صورت روزمزد به خدمت گرفته و به مرور که کارهای ساختمانی تقلیل یافت در فکر بودند که با اینها چه کنند. این برادران فکر می کردند کار ساختمانی که تمام شد آنها را اخراج خواهند کرد؛ در صورتی که اینطور نبود. طرحی بود که شرکت های جدیدی تاسیس شود و این کارگران شروع به کار کنند. متأسفانه این طرح قبل از این که برای این برادران توضیح داده شود تصویب شد و آنها نیز واکنشی نشان دادند که ما نمی خواهیم از ذوب آهن اخراج شویم. در هیات دولت قضیه مطرح شد و هیات دولت تیمی را مأمور رسیدگی به این مسأله کرد پس از بررسی معلوم شد که این کارگران اغلب از افراد مستضعف بودند و مورد نیاز هستند و تصمیم گرفته شد این برادران به استخدام رسمی ذوب آهن در آیند و آن کارهایی که قرار بود شرکت های مستقل انجام دهند؛ ذوب آهن انجام دهد."

ما در این جالزم نمی دانیم به جزئیات سخنان قائم مقام وزارت کار بپردازیم. هدف از نقل کامل حرف های این مقام جمهوری اسلامی ارائه نمونه ایست که چگونه کارگران با مبارزه یکپارچه و متحد رژیم درنده خوی جمهوری اسلامی را به عقب نشینی وادارند.

به این ترتیب طرح "تعاونی کردن" و یا به گفته آقای کمال گنجی ای ایجاد "شرکتهای مستقل" منتفی می شود و کارگران موفق گردیدند دولت را وادار نمایند تا آن ها را رسابه استخدام در آورد.



کارگران و همه نیروهای ترقیخواه جهان، از کارگران ایران پشتیبانی می کنند

- * پیر ژانسو، دبیر کنفدراسیون عمومی کار (CGT)
- * کنفدراسیون عمومی، زحمتکشان ایتالیا
- * سندیکای FLM - تورینو، ایتالیا
- * سندیکای UIL - تورینو، ایتالیا
- * سندیکای CISL - تورینو، ایتالیا
- * انجمن مسیحی کارگران ایتالیا، تورینو

سازمان ها، احزاب، انجمن های دموکراتیک:

- * فراکسیون حزب، بیال دموکرات آلمان فدرال در پارلمان ایالت شلویت - هولشتاین
- * سندیکای تعلیم و تربیت - ایالت شلویت
- * انجمن دموکراتیک زنان پاکستان
- * فدراسیون دموکراتیک دانشجویان بلوچستان
- * تشکل دانشجویی (اس - ها - ای) - برمن، آلمان فدرال
- * اتحادیه صلح آلمان - برمن
- * حزب کمونیست ایتالیا - تورینو
- * کمیسیون زنان حزب کمونیست ایتالیا - تورینو
- * فدراسیون جوانان کمونیست ایتالیا - تورینو
- * حزب کمونیست یونان - تورینو
- * حزب کمونیست شیلی - تورینو
- * حزب کمونیست لبنان - تورینو
- * حزب متحده کارگران ایتالیا - تورینو
- * دموکراسی پرولتاریا - تورینو
- * هواداران جبهه خلق برای آزادی فلسطین - تورینو
- * انجمن ملی پارتیزان های ایتالیا - تورینو
- * کمیته صلح و خلع سلاح استان پیه مونته - ایتالیا
- * انجمن همبستگی ایتالیا - نیکاراگوئه - تورینو

ارکان احزاب و نشریات دیگر:

- * روزنامه "وارهایت" - ارکان حزب سوسیالیست متحده برلین غربی
- * روزنامه "شفق شمالی" ارکان حزب کمونیست کارگری سوئد
- * هفته نامه "اومانیته دی مانش" و نشریه اومانیته، ارکان حزب کمونیست فرانسه
- * روزنامه "مورنیستگ استار" ارکان حزب کمونیست بریتانیا
- * روزنامه "فولکس اشتیمه" ارکان حزب کمونیست اتریش
- * نشریه "فرورتر" ارکان حزب کارسویس
- * نشریه "تسایتوتک فرم ستربورگر فولک" ارکان حزب کمونیست لوکزامبورگ
- * "کانادا تربیبیون" ارکان حزب کمونیست کانادا
- * نشریه "سرزمین و مردم" ارکان حزب کمونیست دانمارک
- * هفته نامه "دویچه فولکس تسایتوتک دی تسایت" آلمان فدرال
- * روزنامه کثیرالانتشار "ال پائیس" - اسپانیا
- * نشریه محلی حزب کمونیست آلمان - فلننبرگ

رژمندگان گردان های پیشاهنگ طبقه کارگر ایران همان گونه که در سرتاسر کشور در جهت ژرفش و گسترش مبارزات کارگران میهن نقش بی بدیلی ایفا می کنند، در بیرون از مرزها نیز وظایف خود را با شایستگی انجام می دهند.

با فعالیت های ستایش انگیز فدائیان خلق و توده ایها در خارج از کشور وسیع ترین همبستگی با جنبش کارگری ایران برانگیخته شده است. عملکرد رژیم جمهوری اسلامی و دستجات ضد انقلابی شاه پرست و دیگر دستجات بورژوازی در وارونه نمایاندن نقش کارگران و زحمتکشان میهن در مبارزه در راه آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی و صلح با اقدامات افشاگرانه فدائیان و توده ایها مد شده است. بشریت ترقیخواه از زبان این پیروندگان راه طبقه کارگر حقایق امور را پیرامون رژیم و زندگی کارگران کشور درمی یابند. حرکات اعتراضی و اعتصابی کارگران به فوریت در جهان بازتاب می یابد و در پی آن موجی از همبستگی و حمایت از مبارزه کارگر ایرانی برانگیخته می شود.

نمونه عملکرد فدائیان و توده ایها در خارج از کشور در بازتاب دادن اعتصاب بزرگ ذوب آهن، نمونه پر ارج و والائی است. در پی آن گروه کثیری از تشکلهای کارگری به پشتیبانی از کارگران اعتصابی برخاستند و نشریات مترقی بسیاری ضمن ابراز انزجار از رژیم سفاک خمینی، اخبار این رویداد بزرگ کارگری میهن ما را بازتاب دادند. ما بخش هایی از آن را به نقل از شماره های پیشین نشریه اکثریت در اینجا منعکس می کنیم.

سازمان ها و تشکلهای کارگری:

- * سندیکای حمل و نقل - آلمان فدرال
- * اتحادیه سندیکاهای آلمان - منطقه کیل
- * سندیکای فلزکاران آلمان - منطقه کیل
- * فدراسیون دموکراتیک کارگران ترک در آلمان فدرال - نورنبرگ
- * انجمن کارگران فلسطینی - نورنبرگ
- * سازمان جوانان کارگر سوسیالیست آلمان - نورنبرگ
- * انجمن کارگران و دانشجویان ترک در کاسل (آلمان فدرال)
- * فدراسیون کارگران پاکستان
- * فدراسیون کارگران متحد پاکستان
- * اتحادیه کارگران و کارمندان پالایشگاه ملی پاکستان
- * سازمان کارگران پاکستان (ب . ا . او)
- * سندیکای کارگران چوب و پلاستیک آلمان فدرال
- * فدراسیون ایالتی سندیکاهای متحده استان امیلیا - رمانیا - ایتالیا
- * اتحادیه کارگران راه آهن پاکستان - کراچی
- * کمیته برگزاری جشن اول ماه مه - کانادا
- * سندیکای فلزکاران جمهوری فدرال آلمان (شعبه اس)
- * سندیکای کارگران چوب و مصنوعات آلمان فدرال
- * کارگران معدنچی ناحیه کنت بریتانیا

از رویدادهای ایران

مقامات رژیم:

سرنوشت جنگ بزودی مشخص خواهد شد

در روز چهارشنبه هفته گذشته خمینی در دیدار با فرماندهان ارتش و سپاه همچنان بر ادامه جنگ تأکید ورزید و برای پیشبرد جنگ بر لزوم وحدت ارتش و سپاه و روحانیت تأکید کرد. بقیه مسئولین رژیم نیز به شکلهای مختلفی حرف زعمیشان را تکرار کردند. از جمله رفسنجانی در ملاقات با گروهی از اعضای واحد اطلاعات و عملیات سپاه در روز ۵ شنبه ۵ اردیبهشت بازم صحبت "ضربه قاطع" را پیش کشید. وی خطاب به پاسداران گفت: "رژیم عراق در سراسر جبهه ما آسیب پذیر است، خطر دم گوش بغداد است و یک ضربه قاطع شما رژیم عراق را از داخل متلاشی خواهد کرد... ما در جبهه ما کاملاً قدرت پیش روی داریم". سرهنگ صیاد شیرازی، فرمانده نیروی زمینی نیز در سخنرانی پیش از خطبه‌های نماز جمعه تهران ادعا کرد که پیروزی بسیار نزدیک است. وی همچنین گفت سرنوشت جنگ به زودی مشخص خواهد شد.

در هفته گذشته در بغداد کنفرانسی در رابطه با جنگ با شرکت قریب به ۴۰۰ نفر روحانی از کشورهای مختلف تشکیل شد که شدیداً واکنش مقامات رژیم ایران را برانگیخت. خمینی در سخنرانی روز چهارشنبه به شدت به این کنفرانس که آنرا کنفرانس آخوندهای درباری نامید، حمله کرد. صدام در این کنفرانس اعلام کرد که به زودی حملات هوایی و موشکی به ایران را از سر خواهد گرفت. بدین ترتیب هفته گذشته باید در عین وجود یک آرامش نسبی در جبهه‌ها، همچون دو هفته پیش از آن، هفته تهدیدات متقابل نامید.

تصویب کلیات لایحه اساسنامه کمیته انقلاب اسلامی

کلیات لایحه اساسنامه کمیته انقلاب اسلامی که در جلسه ۲۷ فروردین، در دستور کار مجلس قرار گرفت، به تصویب رسید.

در ماده اول این لایحه کمیته انقلاب اسلامی به صورت زیر تعریف شده است: "کمیته انقلاب اسلامی نهادی است انتظامی تابع وزارت کشور و ضابطه قوه قضائیه که هدف آن پاسداری از انقلاب اسلامی ایران و دستاوردهای آن و استقرار امنیت و حفظ انتظامات کشور جمهوری اسلامی ایران می‌باشد".

اهم وظایف کمیته‌ها در این لایحه به صورت زیر تعیین شده است: مبارزه با گروه‌های سیاسی مخالف، همکاری با دیگر نیروهای انتظامی در جهت مقابله با مخالفین رژیم، جمع آوری اسلحه و مهمات و تجهیزات و وسائل ارتباطی نظامی و انتظامی غیرمجاز، همکاری با ژاندارمری در جهت حفاظت و کنترل مرزهای کشور، گزارش اخبار و اطلاعات امنیتی به وزارت اطلاعات (ساواک ج.ا.و) و اجرای ماموریت‌های امنیتی، مبارزه با جریان‌های منکراتی، حفاظت از اماکن و تأسیسات و شخصیت‌های مذهبی و سیاسی با همکاری دیگر نیروهای انتظامی.

مخالفین این لایحه در مجلس معتقد بودند که با

وجود سپاه پاسداران و ژاندارمری و شهربانی دیگر موضوعیتی برای کمیته وجود ندارد ولی موافقین به ویژه بر روی این نکته تأکید داشتند که هرچه تعداد ارگان‌های امنیتی و اطلاعاتی و انتظامی بیشتر باشد جمهوری اسلامی بیشتر می‌تواند به بقای خود مطمئن گردد. به عنوان نمونه موسوی تبریزی در پاسخ به سخنان مخالفین لایحه که از تداخل مسئولیت‌ها بیم داشتند گفت: "اگر واقعا وزارت اطلاعاتی که ما داریم، سپاه، شهربانی و ژاندارمری که گزارش‌گر اطلاعات و کمیته که امروز اساسنامه آن مطرح است، این هم از یک طرف گزارش‌گر باشد آیا این تداخل قوا و لوئ کردن مسئولیت‌ها می‌شود. آیا این به معنای آن نیست که افراد حزب الهی کمیته بازوان توانای وزارت اطلاعات بشوند و هم کمیته و هم سپاه و هم شهربانی و ژاندارمری، اخبار و اطلاعات بدهند. آیا این به معنای تداخل قوا و لوئ کردن مسئولیت‌هاست" (کیهان ۲۸ فروردین)

چماق کشی به بهانه مبارزه بابی حجابی

به دنبال تظاهرات هفته‌های اخیر در تهران و شهرستان‌ها در مخالفت مردم با جنگ و رژیم که برجسته‌ترین نمونه آن تظاهرات ۲۱ فروردین اهالی کوی ۱۲ آبان تهران بود، موجی از چماق‌کشی از سوی عوامل رژیم علیه مردم به راه افتاد. مزدوران رژیم که به بهانه مبارزه بابی حجابی سوار بر موتور و مسلح به چماق و زنجیر روم و کلت در خیابان‌ها راه افتاده بودند نیت اصلی خود را که ارباب مردم به خاطر مخالفت آن‌ها با جنگ و رژیم بودن پنهان نمی‌کردند. آن‌ها به زنان و مردانی که از نظر آن‌ها پوشش و رفتارشان اسلامی نبود حمله ور شده و فریاد "جنگ، جنگ، تاپیروزی" سر می‌دادند.



چماق‌کشی اخیر کاملاً سازمان یافته و از پیش تدارک دیده شده بود. حتی رژیم عده‌ای از مزدوران خود را از جبهه - از جمله گروهی از "سپاهیان توحید" را که در منطقه عملیاتی بدر مستقر هستند فراخوانده بود، تا برای چماق‌کشی به تهران بیایند. (اطلاعات ۲۵ فروردین)

مزدوران رژیم وحشی‌گری خود را در حرکات اخیرشان، به اوج رساندند. آن‌ها حتی به اعتراف خامنه‌ای، به درون مطب یک پزشک زن ریخته و با پزشک و بیماران زنی که در این مطب بودند به شکل زننده و توهین آمیزی برخورد کردند.

هم‌زمان با این چماق‌کشی‌ها بخشنامه‌ها و دستورات شداد و غلطی علیه بی‌حجابی صادر شد. دادستانی بی‌حجابان و بدحجابان را به ۷۴ ضربه شلاق محکوم کرد و نخست وزیر بخشنامه‌ای صادر نمود و وزرا را مسئول رعایت حجاب اسلامی در ادارات گرداند.

خامنه‌ای در روز سوم اردیبهشت ختم این عملیات اوباشانه را اعلام داشت و از مزدوران رژیم

خواست که بار دیگر مبارزه بابی حجابی و بدحجابی را به ارگان‌های مربوطه بسپارند ولی خود آماده باشند که اگر گروه‌های سیاسی مخالف دست به حرکاتی زدند، برای سرکوب آنها دست به چماق بزنند.

بودجه ارگانهای انتظامی

یکی از نمایندگان مجلس در هنگام بحث بر روی لایحه اساسنامه کمیته انقلاب اسلامی در جلسه ۲۷ فروردین ماه، آمار زیر را در خصوص هزینه ارگان‌های انتظامی رژیم ارائه کرد: "شهربانی در سال ۵۶ از نظر بودجه‌ای ۲۲ میلیارد ریال هزینه داشته در صورتی که در سال ۶۴ به ۶۲ میلیارد ریال افزایش پیدا کرده. ژاندارمری ۲۰ میلیارد در سال ۵۶ هزینه داشته در صورتی که در سال ۶۴ به ۷۷ میلیارد افزایش پیدا کرده. بعد از انقلاب دو قوه انتظامی نیز اضافه کردیم. یکی کمیته و دیگری سپاه که ۱۵ میلیارد بودجه کمیته و ۱۲۷ میلیارد هم بودجه سپاه است. مجموعاً اگر مقایسه بخواهیم بکنیم آن نیرویی که اختصاص داده می‌شود به عنوان قوه انتظامی ۲۸۲ میلیارد در سال ۶۴ است و در سال ۵۶ فقط ۵۲ میلیارد است." (کیهان ۲۸ فروردین)

شوق تحکیم روابط با فرانسه

به دنبال دیدار کاردار سفارت فرانسه با هاشمی رفسنجانی در دهم فروردین ماه گذشته و اهمیت معنی داری که رژیم به این دیدار داد، اکنون به مناسبت‌های مختلف مسئولین جمهوری اسلامی به تحکیم و گسترش رابطه خود با فرانسه ابراز اشتیاق کرده و تقریباً تبلیغات علیه دولت میتران را که آنرا "وسیال صهیونیستی" می‌نامیدند، قطع کرده اند. آن‌ها همگی مدعی هستند که این فرانسه است که سیاست

خود را "واقع گرایانه" ساخته و اکنون به شدت مشتاق تحکیم رابطه خود با جمهوری اسلامی است. ناطق نوری، وزیر کشور در سینار فرماندهان کمیته های انقلاب اسلامی در این مورد گفته است: "فرانسه، کشوری که از حامیان سر سخت دشمنان مابوده است، چرخشی در سیاست خارجی خود نسبت به جمهوری اسلامی ایجاد کرده و خوانان برقراری مناسبات دوستانه با جمهوری اسلامی ایران است."

مخبر کمیسیون سیاست خارجی مجلس نیز در مصاحبه ای با اطلاعات ۲۵ فروردین این موضع را این چنین بیان می‌کند: "در داخل فرانسه، سیاست ناشایسته و بی‌جنگانه سوسیالیست‌ها در باره ایران، قرن‌ها (!!) است که مورد انتقاد است. آن‌ها روی ملاک‌های سوداگرانه شان هم، نمی‌بایست ایران با عظمت و باثبات را این گونه از دست می‌دادند و عراق بی‌ثبات را این گونه مسلح می‌کردند و بدعکار خود..... نظریات آقای دوما (وزیر خارجه فرانسه) و برخی دیگر از همکاران او... فرانسه را به واقعگرایی بیشتر سوق داد و منجر به پیشنهاد تشنج

زدائی و کمک به بازسازی کشور ما از سوی فرانسه گردید. ما نیز این واقع گرای را مثبت تلقی می‌کنیم و اعتقاد داریم که نباید از این فرصت استفاده گردید

و مواضع به حق جمهوری اسلامی برایشان قاطعانه توضیح داده شود." ◀

فروش سهام کارخانجات دولتی به کارگران

عوامفریبی تازه، بر اساس یک تجربه کهنه

بقیه از صفحه اول

همه صاحبدها و اجتماعات مدام از "اهمیت" و "عظمت" این طرح صحبت می کنند. خانه کارگر در بیانیه خود این "طرح" را "تلاش خورشید جمهوری اسلامی" بر فراز نظامات جهان می خواند و موسوی اردبیلی در اجتماع ورزشگاه آزادی، مسئولیت اسلامی، انقلابی، شرعی و درست بودن "آن را بعهده می گیرد". آنچه که امروز موسوی اردبیلی آن را انقلابی و اسلامی می خواند، شاه نیز منتگامی که "فرمان اصل سیزدهم" یعنی همین طرح مورد نظر جمهوری اسلامی را در چهارم اردیبهشت سال ۵۴، صادر می کرد، آن را "نوبر بهار" و تراوش افکار دامیانه اش می خواند و دستگاه تبلیغاتی اش چون امروز در توصیف آن ادعا می کردند که "نظام جدید اقتصادی ایران برتر از سوسیالیسم و سرمایه داری خواهد شد"، "این فرمان برنامه ایجاد اقتصاد مکر اتیک است"، "رفاه برای همه است". (اطلاعات ۱۸ مرداد ۱۳۵۴)

همان موقع و درست شش روز بعد از صدور فرمان "اصل سیزدهم" تهران اکونومیست ضمن اشاره به برخی از موانع سد راه گسترش مالکیت واحدهای صنعتی به این نکته نیز اعتراف کرد که آنچه شاه آن را به عنوان "فکر بکر" و به عنوان راه حلی برای از بین بردن تضاد کار و سرمایه عرضه کرده، همان باصطلاح "سرمایه داری مردمی" است که در همه کشورهای سرمایه داری اجرا می شود. این نشریه در این باره نوشت: "سیستم سرمایه داری مردمی که در حال حاضر در همه کشورهای اعمال می شود و خوشبختانه با فرمان ملوکانه ما هم داریم بدان سوی میرویم، نیاز به رفع موانع کند کننده دارد که امیدواریم بر طرف شود." (تهران اکونومیست ۲۰ اردیبهشت ۱۳۵۴)

همانطور که از این نوشته تهران اکونومیست برمی آید این فکر "انقلابی و اسلامی" از آن شاه مخلوع هم نبود بلکه راه فریبی بود که در یک شرایط تاریخی سرمایه داران با اهداف معین و از جمله وادار کردن کارگران به انصراف از مبارزه علیه سرمایه داران، نفاق افکنی بین طبقه کارگر، تشدید استثمار و تمرکز سرمایه های بزرگ و تخریب ایدئولوژیک طرح می کردند. اما واقعیت امروزیں جوامع سرمایه داری و روند مبارزه طبقه کارگر هم در کشورهای پیشرفته و هم در کشور ما به عینه ثابت کرده که چنین طرحهایی در مقابله با رشد مبارزه طبقه کارگر، برای عوامفریبی و علیه منافع طبقه کارگر است.

روزنامه کیهان (۱۱ اسفندماه) در مورد هدف و نتیجه اجرای طرح گسترش مالکیت واحدهای تولیدی در زمان رژیم سابق به نقل از کارکنان واحدهای صنعتی می نویسد: "کارکنان واحدهای صنعتی می گویند در دوران رژیم گذشته به منظور عوامفریبی و تبلیغات بی پایه سهام ناچیزی از برخی از کارخانه ها به کارگران فروخته شد ولی این امر به دلیل اینکه جنبه تبلیغاتی داشت. به هیچ وجه منافع کارگران را تامین نکرد."

آقای سرحدی زاده در اجتماع ورزشگاه آزادی از کارگران می خواهد که برای خرید سهام "پیشقدم" شوند. اما نمی گوید که با کدام پول پیشقدم خرید سهام کارخانجات شوند. آنها در رقابت با ۷۶۵۵ میلیارد ریال نقدینگی بخش خصوصی که تنها در سال ۶۲ بنا به گزارش نخست وزیر از کل ۶۰ میلیارد ریال سرمایه گذاری ثبت شده فقط ۷ میلیارد از آن دولت و

بقیه در اختیار بخش خصوصی بوده است. تاکنون در مورد چگونگی اجرای طرح سخنی به میان نیامده، اما آنچه که مسلم است کارگران با این دستمزدهایی که دریافت می کنند، به نان شب محتاجند تا چه برسد به این که اندوخته ای برای خرید سهام کارخانجات داشته باشند. یکی از کارگران در مصاحبه با کیهان می گوید: "این نکته که کارگران از اقشار مستضعف جامعه هستند و عموماً پولی برای خرید سهام کارخانه ها ندارند شکی نیست." (کیهان ۱۱ اسفند) ظاهر اخانه کارگر نیز با وقوف به همین امر است که در بند ۴ و ۵ قطعنامه خود برای حل مشکل مالی کارگران جهت خرید سهام پیشنهاد به "استفاده از محل ذخیره مالی سازمان تامین اجتماعی" - که در حدود ۶۰ میلیارد تومان است - می کند یعنی پولی که از کارگران بنام حق بیمه، حق دوران از کار افتادگی، سوانح و... گرفته شده و کارگران انتظار دارند که با همین پول به دهها و دهها مشکل آنان چون بهداشت، درمان، مسکن، بازنشستگی و... رسیدگی شود.

رژیم خمینی تاکنون با انحلال شوراهای سندیکاهای کارگری، با ارائه قانون کار توکلی و مخالفت با یک قانون تامین اجتماعی منطبق با نیازهای کارگران و سرکوب خوئین مبارزات آنها نشان داده که تا چه حد سرعناد و دشمنی با طبقه کارگر دارد. آنها امروز نیز هدف خود را از به میان کشیدن این "طرح" منسوخ شده پنهان نمی کنند. آقای موسوی اردبیلی در اجتماع میدان آزادی جان کلام را اینطور بیان می کند: "قبل از اینکه دشمن به سراغ ما بیاید ما باید به ضد حمله مجهز شویم." (اطلاعات ۹ اسفند) شاه نیز چنین می پنداشت ولی هیچ یک از اصول نوزده گانه اش نتوانست از شکست ناگزیر راهی که او می رفت جلوگیری کند.

این طرح بالاخره با مداخله رفسنجانی به تصویب مجلس رسید. وی از مخالفین این طرح خواست ۶ ماه دیگر تحمل کنند. وی گفت اگر ساله مخالفین، بودن بهزاد نبوی در راس وزارت صنایع سنگین است وی طی نامه ای اعلام کرده که حاضر است استعفا دهد.

امسال مسابقات فوتبال برگزار نخواهد شد

فدراسیون فوتبال برنامه خود را برای سال جاری اعلام کرده است. در این برنامه مسابقات باشگاهی گنجانده نشده و می توان گفت امسال فوتبال به ویژه در تهران تعطیل خواهد بود. رژیم از آن بیم دارد که میداد تظاهرات سال گذشته میدان امجدیه تکرار شود و اجتماع تماشاچیان مسابقات فوتبال به عرصه ای برای ابراز مخالفت با رژیم بدل گردد.

لغو مسابقات فوتبال باشگاهی و موارد دیگری نظیر حذف تیم ملی از مسابقات مقدماتی جام جهانی فوتبال، عدم شرکت تیم ملی و زنه برداری ایران در مسابقات آسیایی در چین، حذف تیم ملی از مسابقات مقدماتی جام دیویس، عدم شرکت تیم ملی ژیمناستیک در مسابقات الجزایر و موقوف شدن کامل ورزش بانوان و... ناراضیاتی شدیدی را در بین ورزشکاران و ورزشدوستان به وجود آورده است. ورزشکاران در این مورد اصطلاح "فاجعه ورزشی" را به کار می برند.

تصویب نخست وزیر رسید. سود کارخانه ها و شرکت های تحت تسلک بنیاد مستضعفان که عظیم ترین مجتمع صنعتی و مالی کشور است، در سال ۶۴ تنها ۲ میلیارد ریال پیش بینی شده است.

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی در سال جاری درآمدهای بنیاد برابر با ۴۰۵ میلیارد ریال و هزینه های آن معادل ۲۸۵ میلیارد ریال برآورد شده است. با وجود مشکلات حاد مالی دولت، بنیاد مستضعفان هم چنان مثل گذشته مبالغ هنگفتی تحت عنوان غرامت به کلان سرمایه داران بابت مصادره شرکت های شان و یا بابت دیون این شرکتها پرداخت خواهد کرد. بنا به خبر منتشره در سال جاری برای این کار مبلغ نجومی ۵۲ میلیارد ریال را در نظر گرفته اند.

تمدید قانون

تاسیس وزارت صنایع سنگین

طرح تمدید قانون تاسیس وزارت صنایع سنگین به مدت ۶ ماه باعث بروز درگیری های حادی در مجلس بر سر کابینه و نحوه اداره صنایع کشور شد. قید مدت ۶ ماه در این طرح بسیار پرمعنی بود. ۶ ماه دیگر انتخابات رئیس جمهوری برگزار شده و سرنوشت دولت میرحسین موسوی معین خواهد شد.

دعوت ژاپن از رفسنجانی برای

مسافرت به این کشور

ژاپن از رفسنجانی دعوت کرده است در تابستان امسال به این کشور مسافرت کند. بنا بر گزارش خبرگزاریها قرار بوده است جمعه گذشته یکی از مقامات وزارت خارجه ژاپن برای تسلیم دعوتنامه و نیز مذاکره در مورد روابط دو کشور، به تهران سفر کند. رسانه های گروهی جمهوری اسلامی در این مورد خبری انتشار ندادند.

مذاکره با آلمان فدرال

برای خرید زیر دریایی

رژیم در حال مذاکره با آلمان فدرال برای خرید ۶ زیر دریایی است. قرارداد خرید این زیر دریایی ها در زمان رژیم پیشین منعقد شده بود. بر اساس مذاکراتی که تاکنون بین مقامات جمهوری اسلامی با دولت آلمان فدرال به عمل آمده، آلمان فدرال پذیرفته است که شرکت "ها-دو" که سازنده این زیر دریایی هاست به کار خود در زمینه ساخت آنها، ادامه دهد.

بودجه بنیاد مستضعفان

بودجه کل سال ۱۳۶۴ بنیاد مستضعفان به



مردم علیه جنگ

تهران

چند گزارش مبنی در مورد تظاهرات ۲۱ فروردین :
در مورد تظاهرات ۲۱ فروردین اهالی کوی ۱۲ آبان تهران و محلات مجاور آن، گزارشهای متعددی به دست ما رسیده است که در زیر برای ترسیم برخی جزئیات این حرکت برجسته مبارزاتی، بخشهایی از آنها را باینجه درج می کنیم :

تظاهرات در محله ۱۲ آبان از آنجا شروع شد که یک جوان می خواسته نقاط راکت خورده محله را تماشا کند ولی کمیته چپ هانمی گذارند. بین آنها مشاجره در می گیرد. کمیته چپ ها تصمیم می گیرند جوان را دستگیر کنند. او مقاومت می کند. یک کمیته چپ که می خواسته به زور آن جوان را سوار ماشین کند وقتی با مقاومت او مواجه می گردد کلتش را کشیده و به سمت جوان تیراندازی می کند. مردم محل از این امر خیلی خشمگین شده و کمیته چپ را کتک می زنند. در همین وقت گشت کمیته سر می رسد ولی مردم آنها را نیز کتک می زنند درگیری بالایی می گیرد و جمعیت شروع به شعار دادن می کنند. دسته ای از مردم نیز سه راهی ۱۲ آبان را می بندند تا پاسداری آنها نتوانند وارد محله شوند.

مردم به شدت علیه همه مقامات رژیم و علیه جنگ شعار می دادند. آنها وقتی با یورش پاسدارها مواجه می شوند شعار می دادند: "مرگ بر پاسدار!"، "پاسدار، کمیته، ساواک آمریکایی!"، یکی دیگر از شعارهای مردم این بود: "نه شاه می خواهیم، نه رهبر-کشور می خواهیم بی رهبر". مردم در رابطه با جنگ این شعارها را می دادند: "ما جنگ نمی خواهیم - ما صلح می خواهیم" و "مرگ بر جنگ طلب!"

به دنبال شروع و گسترش تظاهرات سپاه و کمیته وارد عمل شدند. آنها اطراف محله ۱۲ آبان را در جاده رجایی مسدود نموده و هر کس را که می خواست به آنجا وارد شود یا از آنجا خارج گردد، دستگیر می نمودند.

تعداد زیادی از اهالی محلات مجاور از قبیل نازی آباد، یاخچی آباد، جوادیه و شهرری به شهرری به ۱۲ آبان رفته و در تظاهرات شرکت جستند. کارخانه های اطراف نیز بعد از شروع تظاهرات تعطیل شده و تعداد زیادی از کارگران به تظاهر کنندگان پیوستند. آنها جلوی ماشینها را می گرفته و می خواستند که چراغها و برف پاک کن هایشان را روشن کنند و بوق بزنند.

ما جلوی سرویس کارگران را می گرفتیم و از کارگران می خواستیم شعارهای ما را تکرار کنند. همگی آنها می پذیرفتند. بخشی از کارگران پیاده شده و به ما می پیوستند.

یکی از کارگران کارخانه فرآورده های

نژادپرستی (دن باکستر) می گفت تظاهر کنندگان جلوی اتوبوس سرویس کارخانه ما را گرفتند و یکی آمد بالا و گفت: حزب الهی ندارید؟ ما گفتیم نه. آنها تنها بعد از اطمینان از این موضوع گذاشتند اتوبوس وارد شود.

کمیته چپ ها با لباس شخصی در میان تظاهر کنندگان می گشتند تا افراد فعال را شناسایی کنند.

حدود ساعت ۴/۵ بعد از ظهر سپاه و کمیته تعداد زیادی نیرو به وسیله وانت بار و ماشین های گشت وارد عمل نمودند. آنهائی که سوار بر وانت بودند چماق داشتند و بقیه مسلح به تفنگ و کلت بودند.

مردم برای مقابله با مزدوران رژیم آمادگی داشتند. آنها شیوه های جنگ و گریزی را که در انقلاب آموخته بودند، فعلا به کار می بستند.

سروکوبتران و حشیانه حمله برده و مردم را مضر و دستگیر می کردند. تعداد زیادی را به محوطه کارخانه کانتینر سازی که در جنب مسجد مادر واقع است برده و در آنجا به شدت کتک زدند. دستگیر شده ها را با اتوبوس، مینی بوس، آمبولانس های هلال احمر و وانت به کمیته های اطراف می بردند. این شایعه وجود داشت که بیش از ۲۰۰ نفر را دستگیر کرده اند. بطور قطع تعداد دستگیرها بسیار بالا بوده است. بویژه آنها می که به وسیله کمیته چپ ها که لباس شخصی داشتند، شناسایی شده بودند.

بعد از پایان تظاهرات، سپاه تعداد زیادی را نیز در خانه ها دستگیر نمود. حتی چند نفر را در خانه هایشان در نازی آباد و جوادیه دستگیر کرده اند.

این تظاهرات که روزهای انقلاب را به یاد می آورد، تاثیر بسزایی در محلات اطراف داشت. به گونه ای که برخی از مردم از هم می پرسیدند که "از انقلاب سیزده آبان خبر داری؟". هنوز هم در بین تمامی مردم محلات جنوب شهر صحبت از این تظاهرات است. همه کاملاً حرکت مردم ۱۲ آبان را تایید می کنند.

تعداد جمعیت تظاهر کننده در روز ۲۱ فروردین را فقط با قید هزاران نفر می توان مشخص کرد. ترکیب جمعیت عمدتاً جوان بود. زنان شرکت فعالی در تظاهرات داشتند و حضورشان در همه جا - حتی در درگیریهای رودر رو با پاسداران - چشمگیر بود. تعداد کشته شده ها از ۲ نفر تا ۸ نفر و حتی بیشتر ذکر می شود.

شایع شده که پاسدارها از تظاهرات قیام برداری کرده اند تا افراد را شناسایی کنند. این شایعه باید از جانب عوامل رژیم برای ایجاد رعب و وحشت پخش شده باشد.

فردای روز تظاهرات، رژیم عده ای از مزدوران خود را سوار بر موتور و وانت بار به خیابانهای اطراف ۱۲ آبان فرستاد تا علیه مردم، علیه شعار صلح و علیه سازمانهای انقلابی شعار دهند و با اصطلاح از مردم چشم زهر بگیرند.

فعالین سازمان در جنوب شهر همان فردای روز ۲۱ فروردین اعلامیه زیر را انتشار داده و آن را در محله ۱۲ آبان و محلات مجاور آن به شکل وسیعی پخش نمودند:

مردم دلیر و قهرمان ۱۲ آبان
حاکمیت مرتجع و جنایتکار جمهوری اسلامی،
با دسته جات اوباش خود، حرکت قهرمانانه شما را که

در مخالفت با سیاست جنگ افروزان و سرکوب فاشیستی آزادیهای فردی و اجتماعی صورت پذیرفته بود، به خاک و خون کشید.

حکام خائن جمهوری اسلامی که دستشان به خون مردم زحمتکش ما آلوده است، با این حرکت وحشیانه خود، چهره کثیف و جنایتکارشان را آشکارتر نمودند.

تنها راه نجات از چنگال این دژخیمان، مبارزه بیکپارچه بر علیه جمهوری اسلامی می باشد و لازمه این امر اتحاد بیکپارچه مردم حول شعار صلح، استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی است.

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا

مرگ بر جنگ! زنده باد صلح!

مرگ بر استبداد! زنده باد آزادی!

مرگ بر اوباش و پاسداران!

درد بر مردم دلیر و قهرمان سیزده آبان

۶۴/۱/۲۲

اصفهان

تعداد کشته شده های اصفهان چه بر اثر حملات هوایی عراق و چه در جبهه ها بسیار زیاد بوده است. تاکنون بطور رسمی از تشییع جنازه ۱۲۰ کشته خبر داده اند. اما مردم می گویند تعداد کشته ها به مراتب بیش از این رقم است.

مردم اصفهان علناً از جراح خود را نسبت به تداوم جنگ ابراز می کنند. جوانها از اعزام به جبهه ها می گریزند و خانواده ها به شدت در برابر فرستادن فرزندانشان به کام عفریت جنگ مقاومت می کنند. به عنوان نمونه در خیابان مسجد سید اصفهان خانواده ها جلوی اتوبوسهایی را که فرزندان آنها را به جبهه ها می برد گرفته و جوانانشان را پیاده کردند. پاسدارانی که از این کارمانعت می کردند با خشم و غضب شدید مردم مواجه شدند.

شیراز

جوانان به شدت از سربازی گریزانند و خانواده ها نیز نمی گذارند فرزندانشان به جبهه فرستاده شوند. رژیم برای تغذیه عفریت جنگ به دست و پا افتاده است و هر جایی که جوانان را ببینند دستگیر می کنند. خیابانهای شیراز، مشیر فاطمی و اطراف سینما سعدی از جمله نقاطی در شیراز است که پاسداران در آنجا کمین کرده اند تا جوانان را برای اعزام به جبهه دستگیر کنند.

خرم آباد

تلفات بمباران خرم آباد بسیار بالا بوده است. مردم می گویند دست کم ۴۰۰ نفر کشته شده اند. بعد از یک حمله هوایی و اصابت راکت به مناطق مسکونی در روز ۱۸ اسفند، زندانیان سیاسی شورش کرده و تعدادی موفق به فرار شدند.

بروجرد

بر اثر بمباران شهر بروجرد به توسط هواپیماهای عراقی حدود ۱۰۰ نفر کشته و زخمی شدند. مردم بعد از بمباران به خیابانها ریخته و در مراسم تشییع جنازه کشته شدگان بمباران شعار می دادند مرگ بر جنگ، مرگ بر جنگ افروز. مردم در خیابانهای اصلی شهر تعدادی لاستیک به آتش کشیده و از این طریق نیز جو التهاب تشدید شده بود. تعداد زیادی از اهالی شهر به توسط پاسداران دستگیر شده اند.

آزمیان نامه‌ها

نامه‌ای از جنوب تهران

نامه ای که بخشهایی از آن را در زیر می‌خوانید توسط یکی از اهالی ساکن جنوب تهران که از نزدیک شاهد بمبارانها و پیاپی‌های آن در محله‌های جنوبی تهران بوده است به آدرس نشریه "اکثريت" فرستاده شده است

"... همانگونه که گفتیم من خود ساکن نواحی جنوب تهران و بمباران های دولت آباد، سیزده-آبان، خزانه و ورزشگاه نازی آباد را به چشم دیده ام. آنچه که در اینجای نویسم دیده های خودم و نقل های نزدیکانم که مورد اعتماد هستند می‌باشد.

اولین راکت ها که به نواحی مسکونی اصابت کردند در محله سیزده آبان بود. اواخر اسفند ماه این راکت ها که صدائی وحشتناک داشتند به گونه ای که مادر حدود ۲ کیلومتری از آن دچار وحشت شدید، سه خانه سه طبقه را کاملاً خراب نمود و حدود ۱۵ خانه را نیز غیر قابل سکونت کرده و شیشه های تعداد زیادی خانه را نیز شکست. انفجار این راکت ها موجب وحشتی را در همه دامن زد. بعد از انفجار سرعت ماشین های کمیته و سپاه محله مورد اصابت را محاصره کرده و نمی گذاشتند هیچکس نزدیک شود. می گفتند در یکی از خانه ها عروسی بوده و از تمام اهل منزل فقط عروس زنده مانده است. مردم از ترس تا سر تهران برای دیدن خرابی ها می آمدند و سپاه و کمیته پس از آمدن انتقامات را به ژاندارمری سپرده و کنار کشیدند.

شب اول، خانه های بسیاری را سارقین لخت نمودند. چرا که تمامی افراد محله را تخلیه کرده بودند. سه خانه ای که راکت به آن اصابت نموده بود را در همان چند روز اول با بولدوزر خراب کرده و صاف کرده بودند طوری که وقتی پس از سه روز به آنجا رفتم از آن سه خانه هیچ اثری نبود. مردمی که دسته دسته برای تماشا می آمدند همه عصبی و ناراحت بودند. گویی خود را در این وضعیت می‌یابند.

دومین محله مورد حمله دولت آباد بود. ۲ راکت به دولت آباد پرتاب شده بود که دو عدد آن در دو نقطه خرابی عظیمی بوجود آورده بود. در یک قسمت، یک راکت، یک آپارتمان ۵ طبقه را که در هر طبقه ۴ بلوک داشت کاملاً ویران نموده و چندین طبقه دیگر از آپارتمانهای مجاور نیز دچار خرابی شده بود. در یک نقطه دیگر نیز یک آپارتمان ۴ طبقه ۴ بلوک کاملاً ویران و چند آپارتمان دیگر نیز ویران شده بودند که در مجموع ۲۲ آپارتمان کاملاً ویران و حدود ۶۰ آپارتمان نیز با ترکش ها نیمه ویران شده بودند. به نظر من با توجه به تراکم جمعیت این نقاط حداقل ۱۰۰ نفر کشته شده اند و چند صد نفر دیگر نیز زخمی (بیشتر بر اثر اصابت شیشه).

بعد از اصابت راکت ها هنگامه عجیبی بود. صدای فریاد وضحه بود و بوی سوختگی و ناله مجروحین. سپاه و کمیته همانند دفعه قبل به مدت کوتاهی بعد از اصابت راکت ها محل را محاصره کرده بودند و نمی گذاشتند کسی به آنجا وارد شود. مردم دسته دسته می گریختند. تعداد زیادی از خانه های اطراف نیز غیر قابل سکونت شده بود و هر آن امکان

فروریختن آنها می‌رفت.

یکی از حاضرین در محل با عصبانیت سنگ بزرگی را بر سر یک حزب اللهی که فریاد می‌زد "موشک جواب موشک" کوبید.

مردم به هیچ وجه در شعارها دخالت نمی‌کردند. چندین بار سپاه و کمیته شعار دادند اما هیچکس جواب نداده و آنها نیز خاموش ماندند. صدای کسانیکه صدمه دیده بودند و وحشی می‌دادند از هر گوشه و کنار شنیده میشد و تمامی کسانیکه ناظر بودند و برای تماشا آمدند نیز حالتی تهاجی بر علیه حکومت داشتند. سومین محله مشیریه بود که از آن خبری ندارم و در چهارمین شب بمباران خزانه مورد اصابت بمب قرار گرفت. سه راکت پرتاب شد که یکی به مدرسه اصابت نمود (حدود ساعت ۲/۵ بعد از نیمه شب) و دیگری حدود ۵-۴ خانه سه طبقه را در خیابان عباسی بین فلکه دوم و سوم خزانه ویران نمود و دیگری سه خانه را در ورزشگاه نازی آباد، نزدیک خط آهن، به نظر من حداقل ۱۰۰ نفر کشته شده اند دولت گفته بود ۲۶ نفر در اینجانبان بمانند مکان های قبلی، سپاه و کمیته آمدند اما به علت سر آری شدن سیل جمعیت قادر به کنترل نگردیدند و صحنه تاسف آوری بود و جمعیت عصبانی با هر کس که صحبت می‌کردی از جنگ می‌گفت و بی ثمر بودن آن همه می‌گفتند پولدارها و دولتی ها که جایشان در آن بالاها محکم است و هر بلائی که هست سر جنوب شهری ها می‌آید "و از این قبیل صحبت ها".

خوزستان در آتش جنگ

نامه ای که در زیر می‌خوانید حدود یک ماه پیش نوشته شده و به تشریه اکثریت ارسال گردیده است. در این نامه وضع اهالی استان های بمباران شده میهن مان، از جمله خوزستان "در جنگ شهرها" توصیف شده و به تلاش های رژیم مبنی بر به خدمت گرفتن کارگاه ها و کارخانه های تولیدی برای اجرای اهداف جنگ طلبانه خود اشاره گردیده است:

"... حملات موشکی و بمباران شهرهای مسکونی ایران توسط عراق شدت و ابعاد بی سابقه ای یافته است. شهرهای دزفول، مسجد سلیمان و بهبهان کاملاً خالی شده و کار و زندگی در آن فلج شده است. ادارات و مدارس در این شهرها کاملاً تعطیل شده است. در شهرهای اهواز، اندیشک، رامهرمز، سوسنتر و در تمامی روستاهای خوزستان زندگی به هیچ وجه عادی نیست. مردمی که شهرهای مزبور را تخلیه نکرده اند مجبورند شب را در بیابان ها بگذرانند. و در آن جا هم نه تنها خطر حملات هوایی از بین نمی‌رود بلکه خطر مار و عقرب و حشرات موذی دیگری جان آن ها را تهدید می‌کند. مواردی از گزیده شدن مردم به وسیله مارهای سی در بیابان های مسجد سلیمان مشاهده شده است. هم چنین در بمباران اطراف مسجد سلیمان چندین نفر که شبانه از شهر خارج شده و در بیابانها خوابیده بودند، مجروح شده اند.

تقریباً در همه شهرهای ایران بحث عادی مردم، بمباران شهرها و اخبار مربوط به آن است. تلفن خانه ها، پر از مردمی است که فقط برای کسب اطلاع از وضع بستگان خود در شهرهای خوزستان، خرم آباد، اراک، همدان، قزوین، تبریز، رشت،

تهران، کرج، باختران و سایر شهرهایی که در معرض حملات موشکی و هوایی قرار دارند، تجمع کرده اند. شهر آبادان به دستور سپاه کاملاً تخلیه شده است و حتی کسانی که از ابتدای جنگ در شهر بوده و در شرایط محاصره هم از شهر خارج نشده بودند، مجبور به خروج از شهر شده اند. بدین ترتیب هزاران نفری که به تدریج به خانه های خود برگشته بودند، مجدداً آواره و سرگردان شده اند. تمام کارهای مربوط به بازسازی پالایشگاه آبادان و پتروشیمی آبادان کاملاً تعطیل شده و به همه کارگران و متخصصین تاکید شده که تا اطلاع بعدی مجاز به ورود، به شهر نیستند. عراق هم آبادان را به طرز کاملاً بی سابقه ای زیر گلوله های توپ، خمسه خمسه، و بمب های هوایی و راکت قرار داده است. به گفته شاهدان عینی شدت حملات در تمام طول جنگ بی سابقه بوده است، و مجموع گلوله هایی که به خانه ها اصابت کرده از مجموع گلوله هایی که طی ۵ سال جنگ به شهر اصابت کرده بیشتر است.

رژیم هم عملاً تمام امکانات تولیدی، حمل و نقل، پرسنلی و غیره را به خدمت جنگ گرفته است. در تمام شهرها، نوشته هایی با مضمون مراجعه کلیه نیروهای ذخیره، جبهه دیده طرح لبیک و هر کسی که قدرت جنگیدن را دارد، به مراکز سپاه و بسیج، به چشم می‌خورد کارگاه ها و کارخانه های تولیدی در خدمت جنگ و ادامه آن قرار گرفته اند. مثلاً از سوی فروزنده استانداری اسبق خوزستان، طرحی تحت عنوان ساخت سنگرهای انفرادی و جمعی به مرکز گسترش صنایع اهواز داده شده و این مرکز به سرپرستی شخصی به نام یزدانی این طرح را به چند کارگاه و کارخانه سفارش داده است. به این ترتیب کارخانه آکروساز (فخرناز فعلی) مسئول برش و خم کاری قطعات فلزی قالب ها است. و کارگاه های تعاونی ۲۶، سازنده قطعات صنعتی و گروه تعاونی ۲۶۴، سازنده قطعات ریخته گری موتات و ساخت کامل قالب ها را بعهده دارند و نهایتاً کارخانه خانه سازی، بابتون ریزی سیکل تولید را کامل می‌کند مواد آهنی و فلزی این قالب ها از طرف کارخانجات نورد اهواز، تامین می‌شود. این روند مدتهاست که از سوی رژیم به کلیه کارخانجات فلزی، قطعات صنعتی، موتات، ریخته گری تحمیل شده و ادامه دارد. اکنون فقط تشدید شده است.

حملات اخیر ایران در منطقه مجنون و دجله باعث کشتار بی سابقه گردید. هم اکنون در کنار اجساد بی شمار ناشی از بمباران های هوایی، اجساد کشته شدگان جبهه که تعدادشان بسیار زیاد است تشیع می‌شود. بیمارستان ها و اماکن از مجروحین است و در تمام شهرهای ایران، تقاضا برای خون مرتب از رادیو و تلویزیون های محلی پخش می‌شود...."

نامه ای از یک کارگر خیاط

"هیچ سالی مثل امسال بیکاری و کساد کاری مشاهده نشده است، در سالی که گذشته کار فرما کارگرها را مجبور می‌کرد در زمستان شب کاری کند. زمستان فصل کار بود و یا بعبارتی ناها را بازار محسوب می‌شد. کارگرانی که تن به شب کاری نمیدادند، اخراج میشدند و بجایشان کارگران دیگری جایگزین بقیه در صفحه ۱۲

پیام مشترک کمیته مرکزی حزب توده ایران و کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت)

به مناسبت اول ماه مه

بقیه از صفحه اول

شوند. اما علیرغم همه دشواری‌ها باید جشن اول ماه مه را هر چه گسترده‌تر برگزار کرد و با مبارزه حق طلبانه خود هر چه بیشتر به افشای این رژیم ضد کارگری و ضد خلقی پرداخت.

کارگران و زحمتکشان مبارز!

جشن اول ماه مه در شرایطی برگزار می‌شود که صلح جهانی به خطر افتاده است و جنگ زندگی برانداز هسته‌ای، هستی مردم همه کشورها را تهدید می‌کند. امپریالیسم آمریکا و متحدانش، موشک‌های هسته‌ای جدیدی در اروپای غربی مستقر کرده‌اند و تلاش می‌کنند با استقرار سلاح‌های هسته‌ای فضای کیهانی را نیز به عرصه مسابقه تسلیحاتی تبدیل کنند. در مقابله با سیاست ضد بشری امپریالیست‌ها، اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، طبقه کارگر و دیگر نیروهای آزاده و صلح طلب جهان مبارزه پیگیر و قهرمانانه خود را در راه صلح، کاهش تسلیحات نظامی و خلع سلاح هسته‌ای ادامه می‌دهند.

اول ماه مه باید به سکوی پیکار کارگران و زحمتکشان کشور ما در همبستگی با نیروهای مترقی و صلح دوست سراسر جهان برای حفظ صلح و امنیت خلق هاتبدیل شود.

امسال نیز، مراسم اول ماه مه در ادامه جنگ خانمان برانداز رژیم‌های ایران و عراق و بمباران مردم بی دفاع و در میان آتش و خون برگزار می‌شود. در این جنگ امپریالیسم برافروخته تاکنون صدها هزار نفر از زحمتکشان، دو کشور جام باخته‌اند، میلیون‌ها نفر آواره و بی خانمان شده‌اند، بسیاری از شهرها و روستاها، محلات مسکونی و مراکز بزرگ صنعتی و کشاورزی به تل خاکستری تبدیل شده‌اند. رژیم خودکامه جمهوری اسلامی همچنان با طرح شعار توسعه طلبانه "جنگ تا پیروزی" فرزندان زحمتکشان را به کام مرگ و نابودی می‌کشد و زمینه را برای استثمار و غارت زحمتکشان و وابستگی هر چه بیشتر کشور به انحصارات امپریالیستی نظامی و غیر نظامی فراهم می‌کند.

شعار قطع فوری جنگ و مذاکره در راه صلح عادلانه را در راس خواست‌های خود قرار دهید. نگذارید رژیم کسی را روانه جبهه‌های بی‌پایان جنگ کند. نگذارید بخشی از دستمزد ناچیز شما به عنوان کمک به جبهه‌ها به جیب غارتگران داخلی و انحصارات امپریالیستی سرازیر شود. هر چه متحدتر و متشکل‌تر، با اتخاذ شیوه‌های گوناگون مبارزه، از کم کاری و تظاهرات موضعی گرفته تا تظاهرات وسیع و اعتصابات همگانی برای پایان دادن به این جنگ

عکسی از میتینگ باشکوه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) در میدان آزادی، اول ماه مه ۱۳۶۰

کلید اقتصاد کشور و هستی کارگران، دهقانان و دیگر اقشار زحمتکش به غارتگران است.

کارخانه‌ها و زمین‌ها و دیگر اموال مصادره شده و ثروت‌های ملی که شما زحمتکشان با ثمار خون از حلقوم دشمنان طبقاتی خود بیرون کشیده‌اید، به کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان سپرده می‌شود و بازار داخلی و اقتصاد کشور بیش از پیش به عرصه تاراج انحصار خارجی و شرکای داخلی آن‌ها تبدیل می‌گردد.

اولویت هزینه‌های سرسام آور جنگ که اساس برنامه ریزی دولت را تشکیل می‌دهد، صنایع و کشاورزی کشور را به رکود و ورشکستگی کشانده و هزاران کارگر و دهقان رانده شده از کارخانه‌ها و مزارع به اردوی عظیم بیکاران پیوسته‌اند. رژیم برای فریب افکار عمومی مسئله فروش سهام کارخانه‌های دولتی به کارگران را مطرح می‌سازد. هدف این طرح که همان "اصل سیزدهم انقلاب سفید" شاه مخلوع است، جلوگیری از مبارزه طبقاتی، تشدید بهره‌کشی و تشویق "همکاری مسالمت آمیز" بین کارگران و سرمایه‌داران می‌باشد. باید پرچم مبارزات گسترده برای حفظ دستاوردهای انقلاب، علیه قوانین ضد کارگری و ضد دهقانی، علیه احیای نظام منحل سرمایه‌داری وابسته، علیه فروش کارخانه‌های دولتی و در راه پایان دادن به بیماری مزمن بیکاری را در سراسر کشور برافراشت. طبقه کارگر به مثابه پرچمدار مبارزه همه زحمتکشان می‌تواند و باید با سیاست ایران بر باد ده رژیم به مقابله فراگیر برخیزد.

کارگران آگاه و مبارز ایران!

در سال‌های اخیر کارگران رژیم تلاش می‌کردند تا لایحه ضد کارگری "پیش نویس قانون کار" را به تصویب برسانند. اما افشاکاری‌های آگاه‌گرانه و به موقع حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) و اعتراض و مبارزه قهرمانانه شما کارگران، رژیم را وادار به عقب نشینی کرد. اکنون سران جمهوری اسلامی قصد دارند که با استفاده از جو ترور و اختناق همان قانون کار را در لفافه جدید از تصویب مجلس و شورای نگهبان بگذرانند.

باید با مبارزه متشکل، سازمان یافته و متحد خود در مقابل این تصمیم ضد کارگری ایستادگی کنید. به قانونی که طرفدار سرمایه دار باشد و حقوق شما را پایمال کند تن ندهید.

در آستانه سال نو، رژیم خمینی با تصویب قانون ارتجاعی "تشکیل شوراهای اسلامی کار" خیانت دیگری علیه شما مرتکب شد. هدف رژیم، پراکنده نگه داشتن طبقه کارگر و جلوگیری از اتحاد و یکتاتی شاست. رژیم با اتکا به این قانون مستقیماً

خانمانسوز بپایخیزید. در سال‌های اخیر آزادی‌های دمکراتیک به طور کلی در جامعه ما از بین رفته است. ترور و اختناق روز به روز بیشتر تشدید می‌شود. احزاب و سازمان‌های مترقی یکی پس از دیگری مورد یورش و حمله قرار گرفته‌اند. سران رژیم ضد مردمی مذبحخانه تلاش کردند تا حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) و دیگر سازمان‌های انقلابی و سندیکامی کارگری و اتحادیه‌های صنفی زحمتکشان را متلاشی سازند. در این راه ده‌ها هزار تن از مبارزان راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی و صلح و مدافعان واقعی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان میهن توسط ارگان‌های سرکوب و شکنجه اسیر شده و گروه‌بی‌شماری از رشیدترین فرزندان خلق ریشروان جنبش کارگری، زیر شکنجه پادشاهان‌های اعدام به شهادت رسیده‌اند. انتشار مطبوعات، نشریات و کتاب‌های انقلابی و مترقی ممنوع اعلام شده است. تفتیش عقاید به سطح سیاست رسمی دولت ارتقایافته است و ارگان‌های سرکوب و شکنجه حتی در خصوصی ترین مسائل شخصی و خانوادگی زحمتکشان به طور مستقیم و غیر مستقیم دخالت می‌کنند. گستاخی سران رژیم به جایی رسیده است که دشمنی و مخالفت خود را حتی با اعلامیه جهانی بشر رسماً و علناً اعلام می‌کنند.

روز اول ماه مه را باید به روز مبارزه کارگران و همه زحمتکشان کشور به خاطر احیای آزادی‌های دمکراتیک، نجات نیروهای مترقی از زندان‌ها و شکنجه‌گاه‌ها، حمایت از خانواده‌های زندانیان سیاسی و شهدای برحق انقلاب تبدیل کرد.

در این سال‌ها هزاران تن از مردم قهرمان کردستان و نیروهای مترقی و دموکرات در راه کسب خودمختاری و برخورداری از حقوق ملی خود در میدان نبرد رویارو با رژیم خودکامه به شهادت رسیده و ده‌ها هزار تن از مردم بی‌گناه آواره کوه‌ها و دشت‌ها شده‌اند.

باید علیه کشتار خلق کرد و در راه برخورداری خلق ما از حقوق ملی به طور متحد و پیگیر مبارزه کرد. کارگران و زحمتکشان ایران!

سران رژیم جمهوری اسلامی درد فاع از منافع کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان از هیچ خیانتی به شما مردم زحمتکش فروگذار نکرده‌اند و نخواهند کرد. آن‌ها سیاه‌ترین قوانین، از جمله کلیات لایحه فوق ارتجاعی "حدود و شیوه فعالیت تولیدی بخش خصوصی" در صنایع و کشاورزی را به تصویب رسانده‌اند. اجرای چنین قوانینی به منزله سیردن

عکسی از میتینگ باشکوه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) در میدان آزادی، اول ماه مه ۱۳۶۰

“در راه انقلاب باید فدائیان را کار بیاوریم!”

آری، “در راه انقلاب باید فدائیان را کار بیاوریم!” این سخنان را رفیق اکبر دوستدار صنایع، عضو کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) پس از میتینگ اول ماه مه در میدان آزادی، سال ۶۰ برزیان آورد. در این میتینگ رفیق دوستدار بر اثر انفجار نارنجکی که از سوی عوامل ارتجاع به میان جمعیت و نزدیکی جایگاه سفارتی پرتاب شده بود، یک پایش را از دست داد. وی پس از قطع پایش، در مصاحبه با نشریه کار، در بخشی از پیام خویش گفت:

“رفقا! ما باید شور انقلابی را با آگاهی انقلابی به نحو احسن تلفیق دهیم و در راه آرمان سترگ خود سوسیالیسم و تحقق امر صلح، دموکراسی و استقلال ملی استوار و بدون تزلزل پیش رویم.” و اکنون نیز این پیام با قوت و طنین رسا فراراه انقلابیون فدایی است.

چشم اول ماه مه سال ۱۳۶۰ از جنبه‌های دیگری نیز قابل توجه است. جشن همبستگی جهانی کارگران در میدان آزادی، سال ۱۳۶۰، آخرین میتینگ بود که در رژیم جمهوری اسلامی به شکل دعوت عام و علنی سازمان‌های انقلابی از توده‌های مردم انجام پذیرفت. این جشن که با استقبال بی‌نظیر صدها هزار نفری مردم مواجه گشت اکنون نیز از هر نظر آئینه تمام‌نمای سازمان ماست.

استقبال و پذیرش روزافزون شعارها، سیاست و برنامه سازمان توسط مردم، فدائیان و رزمندگی فدائیان خلق و تابندگی مشعل رزمشان، گستردگی و قدرت جنبش کمونیستی ایران و نیز کینه بهیمی ارتجاع و امپریالیسم از جنبش کمونیستی ایران، بخشی از نمود خویش را در میتینگ میدان آزادی سال ۶۰ به نمایش گذاشت.

اما اکنون تب‌کارهایی که مخفیانه صورت می‌پذیرفت علناً و آشکارا پیش برده می‌شود و حمایت‌ها و رزم و همبستگی، تظاهر بیرونی خویش را در جنبش‌های مردم می‌یابد.

اگر آن‌زمان با پرتاب مخفیانه نارنجک و سهرامی، میترا صانعی نوگل سرخ فدایی و سیروس صابری‌زاده را به شهادت می‌رساندند؛ اکنون صف مردم عدالت‌خواه را آشکارا به کبله می‌بندند و در شکنجه‌گاه‌ها پیکرهای انقلابیون را به صلابه می‌کشند.

اما توده‌های مردم و انقلابیون، سرود خویش را دارند و خروش خویش را و فدائیان خلق همان گونه که رفیق اکبر دوستدار صنایع گفت، آگاهند که: “در راه انقلاب باید فدائیان را کار بیاوریم!”

باید دامنه اعتصابات کارگری را هر چه گسترده‌تر کنید. باید در اعلام همبستگی با کارگران اعتصابی هر واحد صنعتی از هیچ تلاشی فروگذار نکنید و بدین ترتیب با ابراز قدرت، زمینه تحقق حقوق و خواست‌های خود را در همه عرصه‌ها هر چه بیشتر فراهم کنید.

در شرایط اختلاف کثونی پیشروترین و با تجربه‌ترین کارگران برای رهبری مبارزه‌ی طبقه کارگر، هسته‌های مخفی تشکیل می‌دهند. تشکیل این گونه هسته‌ها و تداوم مبارزه هر روز اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. رهنمودهای این هسته‌ها عملاً به راهنمای عمل کارگران مبدل می‌شود. باید در موسسات تولیدی و خدماتی در جهت تشکیل و تقویت این هسته‌ها، با هشیاری و دقت تمام عمل کرد.

کارگران و زحمتکشان ایران!

حیات جامعه در گرو کارشما و شاهرگ اقتصادی رژیم در دست شماست. رژیم سلطنتی وقتی سقوط کرد که کارگران اعتصاب همگانی را آغاز کردند و شیرهای نفت را بستند. رژیم جمهوری اسلامی نیز قادر نیست در برابر قدرت متحد شما ایستادگی کند. حاکمیت ارتجاع می‌کوشد تا به خواست‌های حق طلبانه شما با سرکوب و ارباب و اخراج و زندان پاسخ بدهد، اما تجربه نشان داده است که مقاومت شما این حربه‌ها را کند و پی‌اثر می‌سازد.

امروزه مرتجعین حاکم، سلطنت طلبان و امپریالیست‌ها و دیگر نیروهای ضد خلقی، بیش از هر زمان دیگر تلاش می‌کنند به تفرقه میان نیروهای انقلابی دامن بزنند و نگذارند مبارزات شما علیه رژیم به پیروزی برسد. باید توطئه آن‌ها را با هوشیاری هر چه تمام‌تر خنثی ساخت. حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران سترگ مبارزه شما هستند. از سترگ خود دفاع کنید و آن را به دژ استوار پیکار خلق علیه ارتجاع حاکم بدل سازید. با اتحاد خود به حاکمیت ارتجاع پایان دهید و نقشه امپریالیسم و ضدانقلاب مغلوب برای تسلط مجدد کشور را بر هم بزنید و راه حاکمیت خلق را هموار سازید. پیروزی از آن شماست.

گرامی باد اول ماه مه!

زنده باد طبقه کارگر ایران!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت)

اردیبهشت ماه ۱۳۶۴

در انتخاب شوراهای کار به نفع صاحبان سرمایه و مدیران کارخانجات اعمال نفوذ می‌کند.

باید ضمن مبارزه علیه این قانون ضد انقلابی، در مقابل دخالت دشمنان طبقاتی در انتخاب اعضا شوراهای کار مقاومت کنید. باید برای دفاع از حقوق خود، سندیکاها و اتحادیه‌های مستقل کارگری را سازمان دهیم. در درون کارخانجات، عناصر ضدکارگری و از آن جمله عوامل سپاه، کمیته‌ها، دواير حراست، انجمن‌های اسلامی و غیره را که به مثابه جاسوسان رژیم و عوامل سرکوب شما عمل می‌کنند، از خود برانید و افشا کنید.

نمایندگان واقعی خود را انتخاب کنید، گرد نمایندگان واقعی خود حلقه بزنید و کارگران رژیم را از سترگ کارخانجات به عقب برانید.

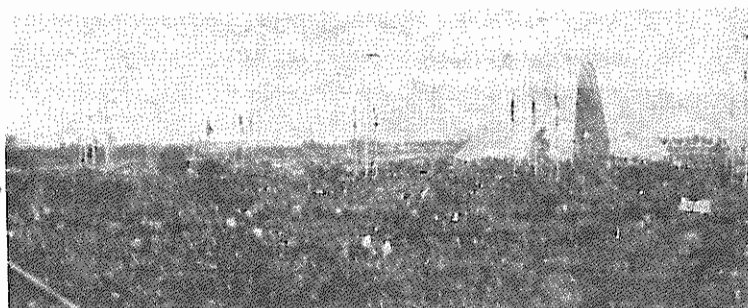
در سال‌های اخیر با وجود تورم و گرانی سرسام‌آور و علیرغم اعتراض‌ها و مبارزات زحمتکشان، رژیم از افزایش حداقل دستمزد کارگران سرباز زده، در حالی که هزینه زندگی روز به روز بالاتر رفته و فشار اقتصادی سبب شده است که بخش عظیمی از کارگران از اداره زندگی خود عاجز بمانند.

ادامه مبارزه در راه افزایش دستمزد و دریافت حقوق و مزایا، طرح عادلانه طبقه بندی مشاغل، دریافت سود ویژه، افزایش سهمیه تعاونی‌های کارگری، تامین زمین و وام و مصالح برای تعاونی‌های مسکن کارگری، بهبود شرایط و کاهش ساعات کار، تدوین و اجرای قانون تامین اجتماعی و مقررات جامع مربوط به حفاظت و ایمنی کار، و نیز مبارزه علیه اخراج جمعی کارگران زن و تعطیل خودسرانه مهد کودک‌ها و ده‌ها مورد ظلم و تبعیض و دیگر از جمله وظایف روزمره شماست.

کارگران مبارز ایران!

شما در سالی که گذشت نشان داده‌اید که سترگ اصلی مبارزه خلق علیه ارتجاع حاکم هستید. اعتصابات بزرگ کارگران دختانیات تهران، شرکت ساسان و به ویژه کارگران ذوب آهن اصفهان لرزه بر پیکر ارتجاع حاکم افکند. حمایت بین‌المللی از کارگران ذوب آهن و نیز همبستگی قاطعانه بخش مهمی از کارگران کشور با آنان نشانه بارز قدرت و آگاهی طبقه کارگر ایران است.

اینک موج اعتصاب‌های دم افزون در کارخانجات کشور، از جمله در پالایشگاه‌ها، نساجی‌ها، فولاد مبارکه، مس سرچشمه، چوکا و ده‌ها واحد کوچک و بزرگ صنعتی دیگر گواه آن است که طبقه کارگر در شرایط کثونی با سلاح برنده اعتصاب می‌تواند به لرز موشی در روند حوادث جامعه نقش تعیین کننده ایفا کند. اعتصاب در حقیقت به حربه کارساز و مهم مبارزه اعتراضی و مطالباتی مبدل شده است.



درباره مواضع و موقعیت گروههای چپ

پلنوم مهرماه ۱۳۶۲ کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثريت) با صدور قطعنامه‌ای درباره "منشعبین از سازمان و گروه‌های چپ مشابه" مواضع و وظایف معینی را در قبال این بخش از نیروهای سیاسی ایران بیان کرده است. امروز، در شرایطی که بحران رژیم خمینی شدت گرفته و اوضاع سیاسی کشور تا بدین حد حساس شده است، اهمیت مصوبات پلنوم کمیته مرکزی سازمان ما و ضرورت همکاری و اتحاد نیروهای انقلابی بیش از پیش آشکار است.

در بند ۴ قطعنامه مربوط به خط‌مشی گفته شد:

"سازمان فداییان خلق ایران

(اکثريت) منشعبین از سازمان و گروه‌های چپ مشابه را به همکاری و اتحاد با نیروهای انقلابی، دموکراتیک و ضدامپریالیستی کشور علیه امپریالیسم، علیه ارتجاع حاکم و در راه صلح، استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی و به سوی همبستگی با جنبش کمونیستی و کارگری جهانی و مبارزه علیه انشعاب طلبی فرامی‌خواند"

در راه اجرای این بخش از مصوبات پلنوم مهرماه قبل از همه باید دید نیروهایی که در قطعنامه فوق مورد خطاب هستند اکنون در زمینه‌های مندرج در قطعنامه هر یک چه موضعی دارند و هر کدام دارای چه موقعیتی هستند؟ در این رابطه مواضع و موقعیت "اکثريت" مورد بحث قرار می‌گیرد.

* * *

این سازمان متأسفانه اخیراً باز هم مواضع ناسنجیده‌تر و زبان‌بارتری را اتخاذ کرده است این مواضع (که عمدتاً توسط مسئولین کمیته خارج از کشور این سازمان اتخاذ و پیگیری می‌شود) هر چه که می‌گذرد غیرقابل قبول‌تر و تقابل آن با مصالح مردم و جنبش آشکارتر می‌شود. اکنون متأسفانه "اکثريت" سواي مبارزه آن با نیروهای مرتجع به خصوص کور و به حملات خصمانه و کینه‌توزانه (و در خارج کشور در جایی که بتواند چماق‌دارانه) علیه تمام نیروهای مترقی و به مخالفت پیگیر با مبارزه به خاطر برقراری صلح میان ایران و عراق انتقشت‌نماست. "اکثريت" در حال حاضر با همه چیز و همه کس، در همه جا مخالف است و همواره آماده است که این مخالفت را به ستیزی کینه‌توزانه، حتی علیه نزدیکترین متحدان خود بکشد.

"اکثريت" در درون خود پس از انشعاب از سازمان همواره گرفتار بیماری انشعاب طلبی و تشدید بحران برای غلبه بر بحران بوده است.

ضرر باتی که در نتیجه تهاجمات دژخیمان رژیم مرتجع خمینی بر کادرهای اصلی و به ویژه به رهبری اقلیت وارد آمده و شهادت بسیاری از کادرهای مبارز و قدیمی اقلیت تأثیرات منفی خود را چه در ترکیب رهبری و چه در مواضع و سمت‌گیری اقلیت بجا گذاشته است.

طی سال‌های اخیر وزن و تأثیر عناصری که اساساً در خارج از کشور در مبارزات دانشجویی فعال بوده‌اند در رهبری سیاسی و سازمانی "اکثريت" مستمراً افزایش یافته است. تا جایی که اکنون عملاً جراید "خط‌دهنده" و رهبری‌کننده این سازمان توسط

"دانشجویان هوادار" آن در غرب رهبری می‌شود. امری که مشخصاً پیوند "اکثريت" با نیازهای واقعی جنبش و حد انباشت تجربه و احساس مسئولیت سیاسی آن را کاهش داده است.

مقایسه ارگان کمیته مرکزی "اکثريت" که هم‌چنان تحت عنوان "کار" تهیه می‌شود، با جزوات و نشریاتی که به اعضای "دانشجویان هوادار" در خارج از کشور انتشار می‌یابد، و نیز مقایسه نحوه برخورد هواداران داخل کشور "اکثريت" در جریان مبارزات توده‌ای در تهران و سایر نقاط ایران و در زندان‌ها با سایر نیروهای مترقی مخالف رژیم، با نحوه برخورد فعالین اقلیت در خارج از کشور نشان دهنده یک تمایز معین است. آنچه از نوشته‌های اقلیت و هواداران آن در داخل دیده می‌شود (در همان محدوده که دیده می‌شود) در برخورد با سایر نیروهای مترقی ایران گرچه عموماً سکتاریستی است اما دست کم در اغلب موارد دشمنانه و کینه‌توزانه نیست، در حالی که در خارج از کشور در اغلب موارد عکس آن است.

با این همه ما هم‌چنان "اکثريت" را یک جریان انقلابی ارزیابی می‌کنیم که جهت عمده مبارزه آن علیه امپریالیسم و علیه ارتجاع حاکم است. لذا این نیرو علی‌رغم تمام پرخاش‌گری‌هایش علیه نیروهای مترقی ایران هم‌چنان در جبهه نیروهای خلقی قرار دارد. تجربه گذشته و حال باید به نیروهای مترقی ایران بیاموزد که مواضع انحرافی و زیان‌بار این یا آن نیروی ملی و دموکراتیک و انقلابی را به طور یک جانبه مبنای رد ماهیت ملی و دموکراتیک و انقلابی آن قرار ندهیم.

بر اساس این تحلیل سازمان چریک‌های فدایی (اکثريت) یکی از نیروهای مورد خطاب بند ۴ قطعنامه درباره خط‌مشی پلنوم مهرماه است. هم از این رو ما برای اقلیت این توان را می‌شناسیم که بتواند در مبارزه علیه رژیم خمینی و در پیکار علیه امپریالیسم به خاطر صلح، استقلال، دموکراسی و عدالت اجتماعی با استقرار در مواضع مثبت، همکاری و اتحاد با سایر نیروهای مترقی را بپذیرد. اگر اقلیت بخواهد صادقانه در راه رهایی ایران از چنگ خمینی و سپردن حکومت به نیروهای مترقی (و نه ارتجاعی) گام بردارد هیچ چاره‌ای ندارد که درک کند علی‌رغم تمام اختلاف‌نظری که بین نیروهای مترقی وجود دارد اگر این نیروها با یکدیگر همکاری نکنند، اگر این نیروها ستیز علیه یکدیگر را تشدید کنند، آن گاه باید بپذیرند که در این صورت با همین ما در حکومت خواهند ماند، یا این‌ها می‌روند و یک دارودسته ارتجاعی دیگر جایگزین آنان خواهد شد. اگر اقلیت به همین شیوه خود ادامه ندهد، اگر واقع‌بینانه و منطقی فکر کند، باید درک کند که با این خط‌مشی هیچ یک از آرزوهای آن جامعه عمل نخواهد پوشید. معدوم کردن سایر نیروهای خلقی ایران راه پیروز گرداندن خلق ایران بر ارتجاع نیست. اگر اقلیت میدان اصلی مبارزه خود را به داخل کشور به ویژه به کارخانه‌ها انتقال دهد، مافکر می‌کنیم بین ما و آن‌ها نه تنها می‌تواند همکاری‌های عملی و روزمره وجود داشته باشد، بلکه رهبران این سازمان، چنانچه صادقانه به فکر منافع طبقه کارگر باشند درک خواهند

کرد که بدون همکاری عملی با ماحتی شرکت در رهبری حرکات اعتراضی و مبارزاتی کارگران، کارمندان، دانش‌آموزان، زنان، دهقانان و غیره عملاً برای آنها به تنهایی غیرممکن است. بعلاوه هر یک از آنان که به کارخانه‌ها یا دیگر محیط‌های فعالیت توده‌ای بپیایند به راحتی درک خواهند کرد که هیچ زمینه‌ای برای ستیز نیروهای انقلابی ضد رژیم در آنجاها وجود ندارد و همکاری آنان گریز ناپذیر است. درک این مطلب برای یک کارگر اقلیتی اصلاً دشوار نیست که چگونه تهاجمات و تبلیغات وی علیه کارگران اکثریتی و توده‌ای خدمت بی‌پاداش به دشمنان سرکندخورد کارگران است. امری که درک آن برای یک دانشجوی اقلیتی در لوس‌آنجلس بسیار دشوار و با فعلاً غیرممکن است. در زندان‌های جمهوری اسلامی اصلاً هیچ فرد اقلیتی مبارز وجود ندارد و نمی‌تواند وجود داشته باشد که نتواند درک کند که حمله به دیگر نیروهای مقاومت، او را به ناکثرب در طراز توابعین و عمال لاجوردی‌ها قرار می‌دهد.

قطعنامه پلنوم هم‌چنین گروه‌های چپ را به مبارزه علیه انشعاب طلبی و به سوی همبستگی با جنبش جهانی کمونیستی و کارگری فراخوانده است. این فراخوان بیش از همه درباره "اکثريت" صادق است. زیرا رهبران سابق این گروه نه تنها در یک حرکت کاملاً شتابزده و بی‌برنامه از سازمان انشعاب کردند، بلکه (و درست به همین دلیل) بعدها خود حداقل در بار دچار انشعاب شده‌اند. تا امروز موثرترین رهبران انشعاب، خود از اقلیت انشعاب کرده و یا از آن اخراج شده‌اند. هنوز هم آینده این جریان یک وحدت اصولی و پایدار را برای آنان نوید نمی‌دهد ساختار ایدئولوژیکی و اصول مورد قبول "اکثريت" تا آنجا با جدایی طلبی در آمیخته که عملاً در موقعیت کنونی تفاهم و همکاری و نزدیکی آن با هر یک از نیروهای سیاسی مترقی کشور و نیز ادامه خصوصیت با آنان، می‌تواند بحران و تشنج را در درون "اکثريت" باز هم تشدید کند و آن را به سوی شکاف‌های تازه سوق دهد.

چاره این گروه چیست؟ این جریان چگونه می‌تواند بر انشعاب‌های تازه غلبه و وحدت درونی خود را پایدار سازد؟ "اکثريت" هنوز پلانتفرم عام مورد قبول اکثریت قریب به اتفاق احزاب کمونیستی و کارگری جهان، خط‌مشی عمومی جنبش کمونیستی جهان در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع به خاطر صلح، دموکراسی، استقلال، پیشرفت اجتماعی و سوسیالیسم را رد می‌کند. اقلیت درباره جنبش کمونیستی جهانی مواضع روشنی ندارد.

تجربه سازمان و تمام احزاب مارکسیستی - لنینیستی جهان نشان می‌دهد که بدون درک اهمیت حیاتی همبستگی کمونیست‌های جهان در پیشبرد وظایف اساسی در عرصه ملی و بین‌المللی و بدون تحکیم این همبستگی بر اساس مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری، نه تنها انجام وظایف انقلابی در عرصه ملی و بین‌المللی بسیار دشوار و از مرحله معینی به بعد اساساً انجام این وظایف غیرممکن می‌گردد، بلکه انحراف از مارکسیسم - لنینیسم و در غلطیدن به مواضع اپورتونیسم راست و "چپ" و در نتیجه گرایش به مواضع بورژوازی در زمینه عمده‌ترین مسایل کشور و جهان جدی‌ترین خطری است که حیات و موجودیت انقلابی احزابی که خود را

از بنیانگذاری جمهوری شوروی سوسیالیستی آذربایجان

۶۵ سال گذشت

برخوردارند، اکثر قریب به اتفاق اهالی را تشکیل می‌دهد، اکنون ۲۶۰۲۷ نفر کارمند در ۱۲۸ موسسه علمی مشغول به کارند که از این تعداد ۱۶۹۵ نفر آکادمیسین و مابقی در سطح دکترا و استادی هستند. در آذربایجان شوروی از هر ۱۰ هزار نفر ۱۹۲ نفر دانشجو هستند. تعداد مهندسين آذربایجانی به ۴۱۲ هزار نفر بالغ می‌شود.

آذربایجان، امروزه به یکی از کشورهای صادرکننده جهان تبدیل شده است. محصولات صنعتی این جمهوری به ۷۰ کشور جهان صادر می‌شود؛ دانشجویان ۶۷ کشور جهان هم اینک در مراکز آموزش عالی آذربایجان تحصیل می‌کنند.

زنان جمهوری آذربایجان در راستای رشد اجتماعی، همه قیود را گسسته و پایه پای مردان در همه امور اجتماعی شرکت دارند. در آستانه انقلاب، بی‌سوادی صفت زنان کشور بود، ولی امروزه همه زنان آذربایجان باسواد هستند؛ و در رشته‌های مختلف علمی، پزشکی، مهندسی مدیریت و کشاورزی فعالیت دارند. تعداد زنان آکادمیسین و استاد در موسسات علمی به ۷۷۲۴ نفر بالغ می‌شود، ۱۱۲ هزار تن از آموزگاران آذربایجان را زنان تشکیل می‌دهند. اکثریت پزشکان و کمک پزشکان و مهندسين زن هستند. حدود ۴۰٪ نمایندگان شوراهای محلی و ۲۳ درصد نمایندگان شورای عالی را زنان تشکیل می‌دهند.

بهداشت و درمان در آذربایجان به طور رایگان انجام میگیرد و پس از انقلاب شبکه‌های درمانی تمام آذربایجان گسترش یافت و هزاران نفر پزشک و پزشکیار تربیت شد. در آذربایجان امروز ۱۹/۴ هزار پزشک (برای هر ۱۰ هزار نفر ۲۸/۸ نفر پزشک و ۴۵/۷ نفر پزشکیار) وجود دارد و ۵۵ هزار تخت بیمارستان به طور رایگان در اختیار شهروندان می‌باشد.

در جمهوری آذربایجان شوروی به فرهنگ و مطالعه بسیار توجه می‌شود. تنها در شهر باکو چند صد کتابخانه و موزه وجود دارد که از آن بین تنها کتابخانه آخوندف قریب به ۲/۲۰۰/۰۰۰ جلد کتاب به زبان‌های مختلف دارد.

آذربایجان شوروی در اتحاد با سایر ملل اتحاد شوروی، بگونه‌ای شتابان رشد و پیشرفت دارد. آذربایجان شوروی، امروز چون نگین پرارزشی در خطه جنوبی اتحاد شوروی می‌درخشد.

آذربایجان را نیز از اساس دگرگون کرد. کشت مکانیزه، تمرکز و تشکل در سوخوها و کلخوزها، استفاده از ماشین‌آلات صنعتی و به کار بردن آخرین تکنیک‌های علمی و فنی در جهت بارآوری محصول، این است شرایط امروزین کشاورزان آذربایجانی! در زمین‌های کشاورزی آذربایجان، از بیش از ۱۴۵ هزار ماشین کشاورزی و از آن بین ۶۷ هزار تراکتور استفاده می‌شود.

عمده‌ترین محصولات کشاورزی آذربایجان شوروی عبارتند از: انگور دو میلیون تن، پنبه هشتصد هزار تن، صیفی‌جات، گندم، ذرت و... کشاورزان آذربایجان شوروی، از خانه‌های مستحکم، مدرسه، کتابخانه، برق، گاز، راه‌های شوسه و بهداشت کامل و رایگان برخوردارند.

در آستانه انقلاب، به واسطه مطالب خوانین و حکومت تزاری، ۹۰٪ اهالی شهرها و ۹۷٪ اهالی روستاها سواد خواندن و نوشتن نداشتند. حق خواندن و نوشتن به زبان مادری اصلاً وجود نداشت. بعد از انقلاب، با سرعتی چشمگیر، بیسوادی ریشه‌کن شد، مراکز مهم آموزشی ایجاد شد، امکان دیدن دوره‌های فنی برای همگان فراهم گشت و مدت زمان زیادی نگذشت که آذربایجان به یکی از مراکز مهم علمی در اتحاد شوروی تبدیل گشت.



در آذربایجان شوروی، بیسوادی چندین ده سال است که از بین رفته و مردم این جمهوری به زبان خود می‌آموزند و می‌نویسند، اکنون تحصیلات متوسطه به صورت عمومی و اجباری اجرا می‌شود. تعداد افرادی که از معنومات متوسطه عالی

روز ۲۸ آوریل سال ۱۹۲۰، در تاریخ خلق آذربایجان، روز بسیار مهمی است. در چنین روزی بود که طبقه کارگر، دهقانان و سایر زحمتکشان آذربایجانی نظام استعماری را برافکندند و طرمار حکومت ظالمانه خوانین و سرمایه‌داران را در نور دیدند. در این روز تاریخ ساز بود که پرچم حکومت شوراها بر فراز آذربایجان به اهتزاز درآمد و دورنمای سعادت و پیشرفت در برابر این خلق قرار گرفت.

اعلامیه حقوق ملل روسیه بازتاب دهنده برخورد شجاعانه، صادقانه و احترام‌آمیز به آداب و رسوم و احساسات ملی خلق‌هاست. در این اعلامیه گفته می‌شود: "زندگی ملی خود را آزادانه و بدون مانع تنظیم کنید، شادان این کار مختارید، و بداندید که حقوق شما هم چون حقوق همه ملل روسیه، با تمام قدرت از طرف انقلاب و مقامات آن، توسط شوراهای نمایندگان کارگران، سربازان و دهقانان حراست می‌گردد". این زبان اکثریت‌ر زبان لنین است.

آذربایجان شوروی سرزمینی با وسعت ۸۵/۷ هزار کیلومتر مربع است که ۶/۵ میلیون نفر جمعیت دارد. پایتخت آن شهر باکو است که ۱/۶ میلیون نفر در آن زندگی می‌کنند. در آذربایجان شوروی ۸۸۹ واحد بزرگ صنعتی وجود دارد که عمده‌ترین رشته‌های آن عبارتند از صنایع برق، ۲۲۳ کارخانه، صنایع نفت و گاز، ۲۵ کارخانه و پالایشگاه، ذوب آهن، ۴ کارخانه، پتروشیمی، ۱۹ کارخانه، ماشین‌سازی و فلزکاری، ۱۵۳ کارخانه و... علاوه بر این ۲۱۷ هزار واحد کوچک نیز مشغول به کار می‌باشند.

در مدت یک سال، تولیدات واحدهای صنعتی آذربایجان شوروی به قرار زیر است:

۱۹ میلیون تن نفت، ۱۱/۹ میلیون مترمکعب گاز، ۱/۹ میلیون حلقه لاستیک اتومبیل، ۲۲۹/۲ هزار عدد یخچال، ۱/۷ میلیون تن سیمان و...

انقلاب اکتبر نه تنها چهره شهرهای آذربایجان را تغییر داد، بلکه اوضاع روستاهای

پای‌بند به مارکسیسم - لنینیزم اعلام می‌کنند را تهدید می‌کند. تاریخ حتی یک نمونه هم نشان نداده است که یک سازمان مارکسیست - لنینست با جدا کردن خود از انقلاب اکتبر و از حزب لنین و خانواده احزاب برادر توانسته باشد به آرمان لنین و راه او وفادار مانده باشد.

"اقلیت" هنوز هم شک دارد که آیا حزب لنین و دیگر احزاب لنینی جهان این مستحکم‌ترین و پیچیده‌ترین نیروی مدافع مارکسیسم - لنینیزم دنیای ما اساساً مارکسیسم - لنینیزم را می‌پذیرند. به همین دلیل "اقلیت" هنوز تصمیم دارد که امر مشترک انطباق آموزش‌های مارکس و لنین بر شرایط عصر کنونی و عمده‌ترین وظایف پیشگامان طبقه کارگر در عرصه ملی و بین‌المللی را خود به تنهایی و در تنهایی و نیز در مقابله با کمونیست‌های جهان به انجام رساند! رهبران اقلیت و نیز بسیاری از هواداران آنها هنوز هم بیم دارند به نتایج کار عظیم و خلاقیتی که بعد از

مارکس و لنین و به ویژه بعد از جنگ دوم جهانی در پاسخ‌گویی به عمده‌ترین مسایل دوران ما به همت حزب لنین و دیگر احزاب برادر در جهت تحقق ایده آل لنین به انجام رسیده است، به دیده اعتماد بنگرند. آنها به این آثار و نظرات و دستاوردهای عظیم ایدئولوژیک یک جاپشت می‌کنند.

درک اهمیت و نقش انترناسیونالیسم پرولتری و ضرورت همبستگی احزاب کمونیستی و کارتری جهان و دفاع از این همبستگی، و نیز قرارداد سازمان خود در (صف) احزاب لنینی دوران مایک کام عظیم در غنیه بر انشعاب طلبی و سکتاریسم در گروه‌های مارکسیستی - لنینستی است. پلنوم مهرماه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) یک بار دیگر "اقلیت" را به برداشتن این گام شجاعانه و حماسی، به سوی همبستگی با جنبش جهانی کمونیستی و کارگری فرا می‌خواند. با اطمینان باید گفت که هر نیرویی که می‌کوشد آموزش مارکسیسم - لنینیزم را

راهنمای عمل خود قرار دهد، چنانچه جرات کند از زیر بمباران سنگین توپخانه ارتجاع و امپریالیسم بگذرد و خود را در طراز احزاب مارکسیستی - لنینستی جهان قرار دهد و همبستگی خود را با این عمده‌ترین نیروی دوران ساز دوران ما به دوستان و دشمنان بشر با سربلندی اعلام دارد، آن نیرو هم اندیشه مارکسیسم - لنینیزم را در وجود خود ژرف‌تر می‌کند، هم فاصله‌ای را که بین خود و مافداییان و توده‌ایها احساس می‌کند کوتاه‌تر خواهد دید و هم مسلماً موفق خواهد شد گام بلندی به سوی حفظ و تحکیم وحدت کمونیست‌های ایران بردارد، امری که نخستین شرط تقویت مواضع و تحکیم موقعیت طبقه کارگر ایران در صف خلق و در تمام کشور است. امری که بدون تحقق آن تأمین سرکردگی طبقه کارگر در انقلاب و در آخرین تحلیل پیروزی نهایی انقلاب بی‌کلی ناممکن است.

مصاحبه "اکثریت" با دکتر آناهیتا راتب زاد عضو دفتر سیاسی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

بقیه از صفحه اول

س. - با توجه به این امر که شمار رابطه نزدیکی با چگونگی پیشرفت آموزش و پرورش، مبارزه علیه بی سواد و اعتلا فرهنگ ملی و قومی، بعد از پیروزی انقلاب دموکراتیک افغانستان داشته اید، لطفاً دستاوردهای انقلاب را در این زمینه توضیح دهید.

ج. - باید بگویم شرایط ایران با افغانستان در این زمینه فرق چندانی ندارد. در جامعه قبیله ای و فئودالی، تعلیم و تربیت یک موضوع امتیازی است و فقط خانواده های ثروتمند قادر به آموختن بودند و تا قبل از انقلاب، می توان گفت که تقریباً هیچ کس از اعضای خانواده های کارگر و دهقان امکان آموختن را نداشتند. پس از انقلاب افغانستان، درهای مدارس و کلاس های سوادآموزی بر روی تمامی مردم باز شد. حتی از محل های متروکه و مساجد و زیر درختان در هوای آزاد نیز برای سوادآموزی استفاده شد تا همه کسانی که به سن قانونی برای آموختن می رسند، از آن استفاده کنند. تمام دانش آموزان و دانشجویانی که قبل از انقلاب اخراج شده بودند، به مدارس پذیرفته شدند. این یک عمل مهم در جامعه افغانستان بود و تقریباً می توان گفت که آغاز یک "انقلاب فرهنگی" می باشد. اما متأسفانه ما از مرحله اول انقلاب تا مرحله کنونی آن دچار مشکلاتی بودیم که در امر سوادآموزی هم تأثیر گذاشت. در مرحله اول انقلاب برخورد اصولی با مسئله آموزش پرورش نشده بود و کیفیت آموزش پائین بود و ما در آغاز مرحله کنونی انقلاب، در این رابطه مواجه با مشکلاتی شده بودیم چرا که دانش آموزان به شیوه قدیم عادت کرده بودند. از آنان در مرحله اول، فقط برای شرکت در تظاهرات و زنده باد و مرده باد فلان کس استفاده می شد و هیچ تلاش جدی در امر سوادآموزی صورت نمی گرفت. ما مجبور بودیم که به آنها انضباط را یاد بدهیم. دشمن حتی از دانش آموزان بر علیه ما استفاده کرد و به وسیله آنان تظاهرات راه انداخت. اما از طرف دولت افغانستان قوانین جدیدی در رابطه با امر آموزش و پرورش به تصویب رسید. و کلاس های سوادآموزی که در اوایل انقلاب با این کلاس ها برخورد نادرستی شده بود اختیاری اعلام شد. اما نه بدان معنا که هر کس که دلش می خواهد شرکت کند و هر کس که نمی خواهد، شرکت نکند بلکه اقدام به تشکیل سازمان های اجتماعی کردیم و این امر را به عهده این سازمان های اجتماعی گذاشتیم که در میان توده های مردم به تبلیغ و ترویج امر سوادآموزی بپردازند. خوشبختانه امروز، مردم علاقه مندی خود را نسبت به کلاس های سوادآموزی نشان می دهند و بخصوص این مسئله در مورد دختران و زنان صدق می کند. امروزه در تمام دهات کلاس های سوادآموزی برای بزرگسالان برقرار شده است و اگر مدرسه ای به دست باند های ضد انقلاب خراب شود، مردم خودشان برای ترمیم آن نیرو می گذارند و دولت هم از نظر مصالح و مواد خام برای بازسازی آن اقدام می کند. جنبش

تعلیم و تربیت با انقلاب فرهنگی پروسه خود را طی می کند. ما امیدواریم که در آینده ای نزدیک جامعه ما از بیسوادی رهایی یابد. من فکر می کنم که اکثریت مردم افغانستان تا سال ۹۵ باسواد شوند. و هم زمان، حرفه ای هم برای کار در جامعه بیاورند. ما امیدواریم که صلح و امنیت به کشورمان بازگردد و مردم هر چه بیشتر به مسئله سوادآموزی و آموختن بپردازند. ما می توانیم تمام مکاتب را باز کنیم و مردم افغانستان را از این بلای بی سوادی نجات دهیم.

س. - انقلاب ملی و دموکراتیک افغانستان چه تغییرات و دگرگونی های اساسی در وضع زنان افغانستان به وجود آورده است؟

ج. - همان طوری که گفتیم در کشوری که اقتصادش وابسته است و کشوری که قبیله ای و فئودالی می باشد، زن به عنوان برده می باشد. زن هم مثل زمین متعلق به ارباب و فئودال می باشد. بدین سبب، زنان در افغانستان وضع بسیار رقت انگیزی داشتند. از زن هم به عنوان وسیله ای برای شخم زدن زمین و هم به عنوان مزدور و نوکر خانواده استفاده می کردند. در نظام های گذشته در افغانستان، زن داورثیه استثمار می شد، مردان در قبال معمولاً مشغول دفاع از خودشان و دفاع از قبیله شان و زنان در زمین مشغول کار بودند. بیشتر زنان افغانستان به دهقان های بی مزد تبدیل شده بودند. خانواده ها حاضر نبودند که فرزندان دختر آنان چیزی بیاموزند.

بعد از اولین کنگره حزب و ایجاد حزب دموکراتیک خلق افغانستان و به مدت پنج ماه بعد از آن سازمان دموکراتیک زنان افغانستان تحت رهبری حزب با یک کمیته بسیار کوچک ایجاد می شود. به تدریج در میان زنان افغانستان و اقشار مختلف زنان افغانستان، زنان دهقان و گروه بسیار محدود زنان کارگر نفوذ می کند. البته زنان کارگر را بیشتر کارگرهای مانوفاکتور تشکیل می دادند زیرا که فقط تعداد محدودی از زنان در کارخانجات بزرگ مشغول بکار بودند و به شکل وسیع امروزی نبود. در همان اوان، سازمان دموکراتیک زنان افغانستان اقدام به تأسیس کلاس های سوادآموزی در شرایط کار مخفی کردند و این مسئله باید تفهیم می شد که این کلاس ها به خاطر برانگیختن زن بر علیه خانواده و شوهرش نیست و فقط برای، درک حقوق دموکراتیک زن در جامعه یعنی حق کار و اشتراک در خانواده و جامعه می باشد و نه آزادی های بی بندوبار. سازمان دموکراتیک زنان افغانستان در تمام دوران اختناق به طور مخفیانه مبارزه می کرد.

در شروع انقلاب، استقبال زنان از سازمان دموکراتیک زنان، افزایش می یابد و زنان با تمام توان خود از انقلاب دفاع می کنند. اما متأسفانه، در بخش اول انقلاب یعنی بعد از شروع انقلاب، در رابطه با زن در افغانستان، حوادثی و برخوردهایی

صورت می گیرد که باعث اختلافات در خانواده ها می شود و به رسوم و سنن توجه کافی نمی شود. از این رو، زنان در مرحله اول انقلاب بطور عام و خورده و از نزدیک شدن به جنبش، نهضت، انقلاب و دولت و حزب، ترس و وحشت داشتند.

اما در مرحله کنونی انقلاب با برخورد صحیح نیروهای انقلابی به خانواده ها و زن و از طریق سازمان دموکراتیک زنان و دیگر سازمان های اجتماعی دیگر، بتدریج اعتماد از دست رفته، باز می گردد. یکبار دیگر ما بر روی حقوق زن که در قانون اساسی و هم در برنامه حزب ما وجود دارد تأکید کردیم. امروزه تمام درهای کار، تحصیل، فرهنگ، دانش، کارحربی و کار دولتی به روی زنان افغانستان باز است. زنان فقط اجازه کار کردن در کارخانه هایی که به سلامتشان صدمه وارد می سازد را ندارند. امروز در جمهوری دموکراتیک افغانستان، هیچکس نمی تواند عملی را بر علیه زن انجام دهد. اگر عضو حزب باشد، از حزب اخراج می شود و اگر نباشد با او طبق قوانین عمل خواهد شد. در صورت جدائی زن و شوهر، فرزندان تا سن بلوغ متعلق به مادر می باشند و شوهر و دولت مولفند که به مادر جهت بزرگ کردن و تربیت فرزندان کمک کنند. زنان در افغانستان از تمام نعمات برخوردارند.

س. - چندی قبل در نشریه "اکثریت" سندی منتشر شد مبنی بر استفاده وسیع ضد انقلابیون از سلاح های شیمیایی به ویژه برای مسموم کردن آب آشامیدنی مدارس، به نظر شما ضد انقلابیون و اشرار، این سلاح ها و ابزارهای مرگ و نیستی را چگونه به دست می آورند و چه نیروها و دولت هایی سلاح و امکان تخریبی را در اختیار آنان قرار می دهند.

ج. - البته این سند صحت دارد ضد انقلابیون آب مدارس را مسموم می کنند و یا گازهای سمی در هوای مدارس و ادارات پخش می کنند و باعث مسموم شدن کارمندان و مامورین و دانش آموزان مدارس می کردند. این افراد بصورت قبلی خود، چه از نظر دستگاه تنفسی و چه از نظر عصبی و روانی برنی گردند و اینان معلول می شوند. شاید شما دیده باشید که سندی مبنی بر دادن داروهای شیمیایی از طرف آمریکا و چین را ما چاپ کردیم حتی بعضی از کشورهای مرتجع عربی نیز این داروهای سمی را در اختیار اشرار ضد انقلابیون قرار می دهند.

س. - نقش دولت ایران را در ایجاد درگیرهای مرزی و حمایتی که از ضد انقلاب می کند را چگونه می بینید؟

ج. - مادر این رابطه اسنادزنده ای داریم نیروهای امنیتی دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان اشخاصی را دستگیر کرده اند که آنها در دادگاه و تلویزیون اقرار کرده اند که تبعه ایران هستند و رژیم جمهوری اسلامی آنها را مجبور به خرابکاری، جاسوسی و ویرانی در افغانستان کرده اند. بسیاری از اینان را مسلح دستگیر کرده ایم و بعضی ها هم در رابطه با همکاری با نیروهای ضد انقلاب دستگیر شدند تعدادی از اینان در زندان به سر می برند و عده ای

تظاهرات علیه جنگ ایران و عراق در سوئد

جنگ، خلق‌های دو کشور را تحت شدیدترین فشارها قرار داده‌اند، ابراز داشتند.

لازم به تذکر است که خبر تظاهرات در روزنامه پرتیراژ صبح روز دوشنبه استکلم درج گردید. علاوه بر فدائیان خلق و حزب توده ایران در سوئد که فعالانه در برگزاری این مراسم شرکت داشتند، نزدیک به ۴۰ سازمان و تشکل مترقی و دموکرات از این حرکت اعتراضی اعلام پشتیبانی نمودند که ما از آن بین به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

- ۱- گروه نمایندگان حزب کمونیست چپ‌های سوئد (VPK) در مجلس
- ۲- سازمان جوانان VPK (استکلم)
- ۳- سازمان جوانان حزب کمونیست کارگری سوئد
- ۴- حزب کمونیست فلسطین (سوئد)
- ۵- جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین (استکلم)
- ۶- حزب کمونیست سوریه (سوئد)
- ۷- حزب کمونیست عراق (سوئد)
- ۸- حزب ملی پاکستان (سوئد)

در قلعنامه تظاهرات، ضمن برشمردن مصائب، تلفات و خساراتی که جنگ کثیف تاکنون به بار آورده است، عنوان می‌شود:

- ۱- قطع بلادرنگ بمباران شهرها، مناطق مسکونی و سایر اهداف غیر نظامی
- ۲- قطع هرگونه عملیات جنگی
- ۳- برقراری یک صلح عادلانه بر اساس احترام متقابل به تمامیت ارضی دو کشور و همچنین اصل عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر، می‌باشیم

جنس صادراتی هم تولید می‌کرد، کارگران را اخراج کرد. این کارخانه نیمه تعطیل شد.

البته بعضی کارخانه‌ها بی‌آنکه خم به ابرو بیاورند همچنان به تولید ادامه می‌دهند. صاحب این کارخانه‌ها اول با پیش کشیدن خرابی بازار، کارگرها را اخراج می‌کنند. بعد با دستمزد خیلی کم کارگرهای تازه‌ای استخدام می‌کنند و با قیمت مفت جنس تولید کرده و انبارها را پر می‌کنند. کارگری اگر به شرایط آنها تن ندهد کرسنه می‌ماند. دستمزدها سی‌چهل درصد پائین آمده است.

در این شرایط کارفرما وقتی آنگهی استخدام می‌دهد باز هم عده زیادی بیکار به او مراجعه می‌کنند. کارفرما از فرصت استفاده کرده دستمزد را پائین می‌آورد. روش آنها جالب است. نمونه کار را به اولین کارگر نشان می‌دهند و میگویند مزد آن بیست و پنج تومان است. کارگر داوطلب از روی نمونه کار را انجام می‌دهد آدرس خود را می‌دهد و می‌رود. به کارگر دوم رقم کمتری می‌گوید و همین‌طور پائین می‌آید تا دیگر از میبده تومان کمتر کسی داوطلب نمی‌شود. و وقتی که همه رفتند کارفرما از روی لیست آنها را که به کمترین مزد راضی بودند انتخاب کرده و استخدام می‌کند.

به مشکلات کارگران صنوف، کارگران افغانی هم اضافه می‌شود. کارفرماها آنها را بهتر استخدام می‌کنند چونکه آنها مزد کمتر میگیرند. ساعت کارشان بیشتر است. برای همین بیشتر کارگران افغانی با وجود کسادی بازار سرکارمانده‌اند.

در ادامه آکسیونهای اعتراضی که طی روزهای سوم، دهم، هفدهم و نوزدهم آوریل علیه جنگ خانمانسوز عراق و ایران از سوی "کمیته سوئدی علیه جنگ عراق و ایران" برپا شده بود، روز یکشنبه (۲۱ آوریل) نیز جمعی از صلح‌دوستان و گروهی از ایرانیان و عراقی‌های مقیم استکلم بنا بر دعوت همین کمیته در یکی از میدانهای شهر گرد آمدند تا بار دیگر اعتراض خود را نسبت به ادامه جنگ و بمباران مناطق مسکونی نشان دهند.

در این اجتماع ابتدا یکی از اعضای "کمیته سوئدی علیه جنگ عراق و ایران" مطالبی پیرامون جنگ و میزان خسارات وارده به هر دو کشور بیان داشت. سپس اوسوالد سودرکوپیست عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست چپ‌های سوئد (VPK) و عضو گروه پارلمانی (ARK) در مجلس، به سخنرانی در مورد جنگ عراق و ایران و نتایجی که این جنگ برای خلقهای هر دو کشور و سایر کشورهای منطقه پرداخت

آنگاه شرکت کنندگان در این اجتماع به سوی سفارت عراق براه افتادند. شرکت کنندگان در تظاهرات در حالیکه علیه جنگ و بخاطر صلح شعار می‌دادند، خیابانهای شهر را طی کرده تا به جلوی سفارت عراق رسیدند. نمایندگان از سوی تظاهر کنندگان، قلعنامه و متن تلگرافی که خطاب به رؤسای جمهور عراق و ایران تنظیم شده بود را به سفارت عراق در سوئد تسلیم کردند. سپس تظاهر کنندگان به سوی سفارت جمهوری اسلامی براه افتادند، در جلوی سفارت جمهوری اسلامی، شرکت کنندگان در تظاهرات با شعارهای "این جنگ ارتجاعی پایان باید یابد" نرفت و انزجار خود را نسبت به کسانی که با ادامه

بقیه از صفحه ۷

از میان نامه‌ها

میشوند. در کارگاههای شخصی‌دوژی به مشتریها نوبت‌های یک ماهه می‌دادند. بعضی مغازه‌های خیالی از ترس اینکه نتوانند سرویس لباس مشتری را تحویل دهند از وسطهای زمستان دیگر کار قبول نمی‌کردند و یا نوبت را برای بعد از عید میدادند. در کارگاههای سری، دوژی تولید از اوایل پائیز به صورت فشرده صورت می‌گرفت. بنکدارها و مغازه‌دارها تولیدات را برای قبل از عید میخواستند در غیر اینصورت سفارشات خود را به کارگاههای دیگر میدادند. ماههای زمستان مخصوصا اسفند ماه اکثر کارگران پتو و بالش با خود به کارگاه میبردند تا بتوانند در شب کاری یکی دو ساعتی بخوابند و حتی چند شبانه‌روزی توانستند به زن بچه خود سر بزنند.

اما اسفال وضع کاملا متفاوت بود. کارفرماها یکی بعد از دیگری از بیکاری کارگاههای خود را بستند. کارگران راسته دسته اخراج کردند. بیکاری بصورتی غیرقابل تصور زیاد شد. کارگاههاییکه شب کاری داشته باشند خیلی کم بود. بیش از پنجاه درصد کارگاههای خیاطی تعطیل شد و در همین حدود دهم کارگاهها و کارخانجات بافندگی. در یکی از کارگاههای بافندگی بیش از ده میلیون تومان تریکو آماده روی دست صاحب‌کار باد کرده و مشتری ندارد. چند کارخانه بزرگ و معروف بافندگی با کارنرما تصفیه حساب کردند. یکی از کارخانه‌ها که

هم که مرتکب جرائم بزرگ شده‌اند، از طرف دولت عفو شدند.

باید اذعان کنم که ما از طرف همسایه خود ایران، دچار یک سلسله مشکلات هستیم. دولت جمهوری اسلامی ایران که بر پائی آن توسط اتحاد توده‌های وسیع مردم ایران صورت گرفته بود، در اوایل خصلت ضد امپریالیستی داشت ولی با کمال تاسف ما هر قدر گامهایی بطرف جمهوری اسلامی ایران در جهت صلح در منطقه برداشتیم، جواب منفی در یافت کردیم. نه تنها جواب منفی شنیدیم بلکه دولت ایران در جهت بسیج تعدادی افغانیهای مقیم ایران بر علیه انقلاب افغانستان، کارزار تبلیغاتی زهر آگین علیه انقلاب و فرستادن جاسوسان ایرانی به خاک افغانستان اقدام کرده است. هنوز هم از طرف مادرهای مذاکره بر روی هر دو همسایه ما یعنی ایران و پاکستان باز است. ماسخت مایل هستیم که طرفین مقابل عقل سلیم خود را بکار ببندازند و منطقه را از این حالت تشنج و ناراحتی نجات دهند.

س - روند انقلاب شکوهمند ۲۲ بهمن ۵۷ ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید.

ج - من تمامی که انقلاب ایران رخ می‌داد، مادر مباحثت بر می‌بردم و در خارج از افغانستان بودیم ولی شادی و سرور مادر را به این انقلاب پایانی نداشت. ما بر این عقیده بودیم که حتی انقلاب توده‌های مردم ایران از به بیراه رفتن افغانستان جلوگیری خواهد کرد. ارزیابی ما از انقلاب ایران بسیار عالی و مثبت بود، این انقلاب خصلت ضد امپریالیستی داشت و امپریالیسم امریکا را بعنوان دشمن خلقهای منطقه معرفی می‌کرد اما متأسفانه بعدا

به قهراً کشیده شد، این مایه تاسف ماست. بعد از یک دوره اختناق شاهنشاهی آریامهری بعنوان ژاندارم منطقه و خفه کننده تمام نیروهای مترقی خلق برادر ایران، ما می‌خواستیم و آرزو مند بودیم که خلق برادرمان در صلح و صفای آرامش زندگی کند. اما با کمال تاسف اینطور نشد. لکن ما بازم امیدوار هستیم

مبارزات خلق ایران، خلق برادرمان ایران، بتواند که ایران نو، ایران شکوفان، ایران جدید و ایرانی که همه در آن خوشبخت زندگی کنند را بسازد. نظر من در این رابطه این است که ما باید از مبارزات مردم جهان سخت بیاموزیم. من فکر می‌کنم نیروهای انقلابی ایران باید با هم متحد شوند و پیوندهایشان سخت شود بمانند یک زنجیر که هر گاه یک حلقه زنجیر به حرکت در آید، تمام حلقات به حرکت در بیایند. این رامن نمی‌گویم بلکه مبارزات مردم جهان ثابت کرده است که در وحدت،

اتحاد، در یک جابودن و از یک گلو فریاد کشیدن، پیروزی را به همراه دارد. به تمام نیروهای میهن پرست ایرانی علاقه خاصی دارم و فکر می‌کنم که با وحدت و یکپارچگی بهتر می‌توانیم دشمن را نابود سازیم و اونی تواننده ماسدمه‌ای وارد آورد. لکن اگر جدا بایستیم دشمن ما را جدا جدا نابود می‌کند و به جدائی ما دامن می‌زند. من امیدوارم که نیروهای مترقی ایران متحد ابر علیه نیروهای دشمن عمل کنند. افغانستان انقلابی هم همیشه پشتیبان نیروهای مترقی است.

اعلامیه ای از لنین آموزگار بزرگ کارگران جهان

اول ماه مه

بقیه از صفحه اول



است. سرزمینهایی که مردمی بیکانه در آن زندگی می کنند و هزاران ورست دور است. خلق ما را که از بردگی سیاسی رنج می برد به جنگی برای به بند کشیدن خلقهای دیگری فرستاده اند. خلق ما خواهان دگرگونی اوضاع سیاسی در کشور خود است اما میخواهند توجه آن را به غرض توپهادر آن سوی جهان منحرف کنند. اما دولت تزاری در قمار خود در به مدر دادن جنایتکارانه اموال خلق، در کشتار جوانانی که در سواحل اقیانوس آرام جان می دهند، بیش از حد پیش رفته است. هر جنگی مستلزم بسیج نیروهای خلق است، اما جنگ سخت با ژاپن متعین و آزاد مستلزم بسیجی عظیم از ناحیه روسیه است. و این بسیج، در زمانی انجام می گیرد که بنای حکومت مطلق پلیسی زیر ضربات پرولتاریای بیدار از هم اینک به لرزه افتاده است. جنگ همه نقاط ضعف دولت را عریان کرده، پوششهای دروغین را به زیر کشیده، فساد داخلی را به نمایش گذاشته و حکومت مطلقه و جنون آمیز تزاری را به جایی رسانده که این جنون را هم به چشم می بینند. جنگ به همه، احتضار روحیه کهنه، روسیه محروم، نادان و لگدمال شده، روسیه ای را که در زیر یوغ بردگی دولت پلیسی رنج می کشد نشان می دهد.

روسیه کهنه در حال مرگ است. جای آن را روسیه ای آزاد می گیرد. قدرتهای شومی که حکومت مطلقه تزاری بر آن استوار است در زوالند. اما تنها پرولتاریای آگاه و متشکل قادر است ضربه مرگ را بر این قدرتهای شوم وارد آورد. تنها پرولتاریای آگاه و متشکل قادر است با مبارزه خود برای مردم، آزادی واقعی و جعل نشده را به ارمغان آورد. تنها پرولتاریای آگاه و متشکل قادر است در برابر هر تلاشی برای سرکوب خلق، محدود کردن حقوق آن و تبدیل آن به ابزاری در دست بورژوازی مقاومت کند.

رفقای کارکرا! پس بیایید تا با نیرویی ده چندان، پیکار نهایی را که در پیش است تدارک ببینیم! بیایید تا صفوف پرولتاریای سوسیال دمکرات را فشرده تر سازیم! بگذار تا ترویج آن توده های هر چه گسترده تری را در بر گیرد! بگذار تبلیغ برای خواستهای کارگران گستاخانه گردد! باشد تا جشن اول ماهه هزاران مبارز نوین را به سوی ما آورد و نیروی ما را در پیکار بزرگ برای آزادی همه خلق، آزادی همه زحمتکشان از یوغ سرمایه دو چندان سازد!

زنده باد روز کارهشت ساعته!

زنده باد سوسیال دمکراسی انقلابی بین المللی!

سرنگون باد حکومت مطلقه جنایتکار و غارتگر تزاری!

۱۵ آوریل ۱۹۰۴

گذشت. سوسیالیسم این راه را نشان داده است، و هزاران و هزار مبارز از پرچم سرخ چون ستاره راهنما پیروی می کنند. اعتصابات، به کارگران قدرت اتحاد را نشان داد، به کارگران آموخت که باید مقاومت کنند، نشان داد که کارگران متشکل بگونه سرمایه را به هراس می افکنند. کارگران به چشم خود دیدند که سرمایه داران و دولت از کار آنان زنده اند و از قبل آنان ثروت می اندوزند. در کارگران، میل به نبرد مشترک، به آزادی و به سوسیالیسم بیدار گردیده است. کارگران دریافته اند که استبداد تزاری چه نیروی اهریمنی و شومی است. کارگران برای مبارزه، به آزادی تحرک نیاز دارند، اما دولت تزاری دست و پای آنان را بسته است. کارگران به آزادی تجمع، آزادی تشکل، آزادی کتب و نشریات نیاز دارند، اما دولت تزاری هر حرکت آزادیخواهانه را با زندان و چماق و سرنیزه سرکوب می کند. در سراسر روسیه فریاد "سرنگون باد حکومت مطلقه!" همین افکنده است. این ندا هر چه بیشتر در خیابانها و در گردمهایی های هزاران نفره کارگری شنیده می شود. در تابستان سال گذشته، در سراسر جنوب روسیه دهها هزار کارگر بپا خاستند و برای مبارزه در راه زندگی بهتر، در راه آزادی از یوغ پلیس قیام کردند. بورژوازی و دولت با دیدن ارتش هولناک کارگران به لرزه افتادند، ارتشی که با یک ضربت، کل صنایع شهرهای بزرگ را متوقف ساخت. دهها تن از مبارزان راه کارگران زیر رگبار گلوله های نیروهای تزاری که علیه دشمن داخلی بکار گرفته شده بودند، به خاک افتادند.

اما هیچ نیرویی را یارای غلبه بر این دشمن داخلی نیست، چرا که تنها به برکت کار او است که طبقات حاکم و دولت خود را ننگه داشته اند. هیچ نیرویی بر روی زمین وجود ندارد که قادر باشد میلیونها کارگر را که پیوسته بر آگاهی طبقاتی شان افزوده می شود و هر چه مستحکم تر متحد و متشکل می شوند، به زانو در آورد. هر شکست کارگران صفوف نوینی از مبارزان می آفریند، توده های گسترده تری را زندگی نوین بخشیده و به آنان امکان می دهد برای پیکاری نوین آماده شوند.

اما روسیه اینک رویدادهایی را از سر می گذراند که بگونه ای اجتناب ناپذیر، مستلزم بازهم سریعتر شدن و گسترش این بیداری توده های کارگران، و مستلزم آن است که ماهه نیروی خود را برای انجام بخشیدن به صفوف پرولتاریا و آماده کردن آن برای پیکاری باز هم مصمم تر بکار گیریم. جنگ حتی در میان عقب مانده ترین اقشار پرولتاریا علاقه به امور و مسائل سیاسی را برمی انگیزد. جنگ هر چه روشش رو واضح تر نشان میدهد که رژیم استبدادی تا چه حد پوسیده و باند او بپاش پلیس و درباریانی که بر روسیه حکم می رانند چقدر جنایتکار است. خلق ما را که خود با فقر دست به گریبان است و در کشور خود از گرسنگی می میرد، به جنگی خانمانسوز و بیپایوده می فرستد که برای فتح سرزمینهای بیگانه در جریان

رفقای کارکرا! اول ماهه در پیش است. روزی که در آن، کارگران همه کشورها بیداری، آغاز زندگی آگاهانه، و اتحاد خود را در مبارزه علیه هر گونه ستم و به بند کشیده شدن انسان توسط انسان، در مبارزه برای راهمایی میلیونها زحمتکش از گرسنگی، فقر و تحقیر جشن می گیرند. در این پیکار سترگ، دو جهان در برابر هم قرار دارند: جهان سرمایه و جهان کار، جهان استثمار و بندگی و جهان برادری و آزادی. در یک سومشتی انگل های ثروتمند قرار دارند. آنها کارخانه ها و کارگاه ها، وسایل کار و ماشینها را در چنگ خود گرفته اند. آنها دولت و قشون را وادار کرده اند تا خدمتکاران خودشان و پاسداران وفادار ثروتی که انباشته اند باشند.

در سوی دیگر، میلیونها محروم قرار دارند. آنها باید از ثروتمندان اجازه بخواهند تا بتوانند برایشان کار کنند. آنها با کار خود همه ثروتها را می آفرینند، اما خود همه عمرشان را برای یک تکه نان جان می کنند، برای یافتن کار - انتار که می خواهند صدقه بگیرند - دست گدایی دراز میکنند، نیرو و سلامتی شان را با کار افراطی از بین می برند، و در بیغولهای روستا و زاغه های زیرزمین و انبارهای زیر شروانی شهرهای بزرگ گرسنگی می کشند.

و اینک، این محرومان و زحمتکشان، به افغانیا و استثمارگران اعلان جنگ داده اند. کارگران همه کشورها برای آزادی کار از بردگی مزد و از فقر و نیاز می رزمند. آنها برای ایجاد جامعه ای مبارزه می کنند که در آن، ثروتیایی که با کار مشترک بدست آمده، در خدمت همه زحمتکشان قرار گیرد و نه در خدمت مشتکی ثروتمند. آنها می خواهند که زمین ها، کارخانه ها، کارگاه ها و ماشینها به اموال جمعی همه آنهایی که کار می کنند تبدیل شود. آنها می خواهند غنی و فقیر نباشد، ثمر کار به آنهایی برسد که کار می کنند، همه دستاوردهای اندیشه انسان، همه پیشرفت ما در کار، زندگی کسی را بهبود بخشد که کار می کند، نه اینکه نقش ابزاری در اعمال ستم بر زحمتکشان را ایفا کند.

رزم بزرگ کار علیه سرمایه برای کارگران همه کشورها به قیست قربانیایی عظیمی تمام شده است. خون بسیاری از کارگران در دفاع از حق زندگی بهتر و آزادی واقعی ریخته شده است. پیتردهمایی که دولتها، مبارزان راه کارگران را در معرض آن قرار می دهند، بی حد و حصر است. اما علیرغم همه این تضییقات، اتحاد کارگران سراسر جهان می بالد و قدرت می گیرد. کارگران هر چه فشرده تر در احزاب سوسیالیستی گرد می آیند. شمار طرفداران احزاب سوسیالیستی هم اکنون به میلیونها رسیده است. کارگران کام به کام و بدون تزلزل به سوی پیروزی کامل بر طبقه استثمارگران سرمایه دار در حرکتند.

پرولتاریای روسیه نیز بیدار شده و زندگی نوینی یافته و به این پیکار پیوسته است. آن دورانی که کارگر ما با سر افکنده پشت خم می کرد، بدون آنکه راه برون رفتی از زندگی برده وار خود ببیند و بدون آنکه شعاع نواری در زندان زندگی به چشمش بخورد،

رویدادهای جهان



گزینش اعضای جدید دفتر سیاسی حزب کمونیست شوروی

روز سه‌شنبه گذشته در مسکو، پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی برگزار شد. در این پلنوم، اعضای کمیته مرکزی، ویکتور چیریکف کاندید دفتر سیاسی و رئیس کمیته امنیت دولتی اتحاد شوروی، و یگور لیگایف و نیکولای ریشکف دبیران کمیته مرکزی را به عنوان اعضای جدید دفتر سیاسی، مارشال سرگی سوکولوف وزیر دفاع را به عنوان کاندید عضویت در دفتر سیاسی و ویکتور نیکونف را به سمت دبیر کمیته مرکزی برگزیدند. لیگایف، ریشکف و نیکونف متخصصین صنعت و کشاورزی هستند. پلنوم کمیته مرکزی، تصویب نمود که کنگره بیست و هفتم حزب در تاریخ ۲۵ فوریه ۱۹۸۶ گشایش یابد.

در گردهمایی رهبری حزب کمونیست شوروی، میخائیل گرباچف دبیر اول کمیته مرکزی سخنان مبسوطی درباره مسائل مختلف سیاست داخلی و خارجی ایراد نمود. وی گفت:

"امروز ایالات متحده خلق قهرمان نیکاراگوئه را به استفاده از نیروی نظامی تهدید می‌کند و می‌کوشد نظیر آن چه در گرنادا به وقوع پیوست، آزادی و استقلال را از آن بگیرد. برای مأموریت با نیروهای ترقی و دموکراسی، با آن کشورها و خلق‌هایی که از آزادی و استقلال خود در برابر حملات ارتجاع دفاع می‌کنند، یک امر اصولی است. در این رابطه من به همان روشنی است که همیشه بوده است."

افشای جزئیات جنایت نژادپرستان آفریقای جنوبی در ۲۱ مارس

در آفریقای جنوبی، گروه پزشکی که اجساد ۲۹ قربانی تظاهرات خونین ۲۱ مارس این کشور را کالبد شکافی کرده است، اعلام نمود ۱۷ تن از آنان با شلیک گلوله از پشت به قتل رسیده‌اند. ۱۰ نفر از مقتولین بر اثر اصابت گلوله به سر از پای درآمدند. گزارش پزشکی مزبور که نشان داد پلیس رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی به عمد و به قصد کشتار مردم به سوی آنان آتش گشوده است، در سراسر جهان موجی از ابراز خشم و انزجار نسبت به رژیم آپارتاید را برانگیخت.

هم‌زمان با اوج‌گیری جنش توده‌ای مردم آفریقای جنوبی علیه رژیم ضدبشری پرتوریا، این رژیم برای انحراف افکار بین‌المللی و فرونشاندن آتش اعتراض گسترده در داخل کشور، اعلام نموده که در صدد است مقررات مربوط به منع روابط زناشویی و ازدواج میان افراد از نژادهای مختلف را لغو نماید. کنگره ملی آفریقا در این باره طی یک موضع‌گیری اعلام کرد در حالی که پلیس و ارتش نژادپرستان سرگرم کشتار مردم بی‌گناه هستند، بوتار رئیس رژیم آفریقای جنوبی می‌کوشد با این مانورها بر عمر رژیم

آپارتاید بیافزاید.

از سوی دبیر رژیم آفریقای جنوبی که به طور غیرقانونی نامیبیا را در اشغال دارد، اعلام کرده است که به زودی یک دولت برای این کشور تشکیل خواهد داد. نژادپرستان می‌کوشند با علم کردن چنین دولتی، سازمان خلق آفریقای جنوب غربی (سواپو) را که از سوی جامعه بین‌المللی به عنوان تنها نماینده قانونی مردم نامیبیا شناخته شده، از صحنه خارج سازند. جنش کشورهای غیرمتحد طی یک نشست در دهلی نو اقدام جدید رژیم آفریقای جنوبی مبنی بر تدارک تشکیل یک دولت برای نامیبیا را مغایر قلعاعقه‌های سازمان ملل متحد دانسته و محکوم نمود.

مبارزه کارگران پرتغال علیه خصوصی کردن کارخانجات

دهه‌ها زارتن از کارگران پرتغال طی اعتصابات و گردهمایی‌هایی عزم خود را به دفاع از کارخانجات دولتی شده پس از انقلاب ۱۹۷۴، به نمایش گذاشتند. دولت پرتغال در صدد است بخشی از این کارخانجات را به سرمایه‌داران خصوصی واگذار کند. در لیسبون ده‌ها هزار تظاهرکننده علیه بی‌کاری جمعی که دائماً رو به افزایش است، و نیز تلاش ارتجاع برای واگذاری کارخانجات ملی شده به انحصارات، اعتراض نمودند. در مجموع، در اقدامات "روز مبارزه علیه خصوصی کردن دوباره" کارخانجات بیش از ۶۰ هزار کارگر از ۲۲ کارخانه شرکت جستند. این اقدامات به دعوت اتحادیه سندیکایی پرتغال صورت گرفت.

کابینه موقت سودان تشکیل شد

در سودان، حکام نظامی جدید اعضای کابینه موقت را منصوب کردند. ژنرال عبدالرحمن سوارالدهب رئیس شورای نظامی ضمن اعلام این امر در خارطوم، گفت: این کابینه تا زمانی که شورای نظامی قدرت را به طور نهایی به یک دولت غیرنظامی واگذار کند، امور را در دست خواهد داشت. در کابینه جدید، تنها فرد نظامی ژنرال عثمان عبدالله وزیر دفاع است.

ژنرال ذهب رئیس شورای موقت نظامی طی مصاحبه‌ای با هفته‌نامه مصری المصور گفت وی خواهان آزادی فعالیت همه نیروهای سیاسی کشور است. وی افزود: "ما خواهان آزادی فعالیت سیاسی برای همه جریانات سیاسی هستیم". ژنرال سودانی در پاسخ به این پرسش که آیا به حزب کمونیست سودان نیز اجازه فعالیت داده خواهد شد یا نه، گفت: "چرا که نه، ما از همه نیروهای سیاسی استقبال می‌کنیم." ذهب اظهار داشت روند اوضاع در سودان با منافع توده‌ها منطبق است. وی گفت تدارک انتخابات برای تعیین نمایندگان مردم در پارلمان در جریان است، امری که خود گامی به سوی شکل‌گیری یک دولت جدید به شمار می‌رود.

هفته‌نامه شوروی عصر جدید درباره کودتای سودان و تحولات اخیر این کشور می‌نویسد: هرچه واشنگتن بر حضور خود در خاور نزدیک بیشتر پا می‌فشارد، مواضع آن در این منطقه نامطمئن‌تر می‌شود. سودان، از دیدگاه پنتاگون یک پایگاه استراتژیک در جهان عرب و آفریقای حاره است. آیا

تحولات امروز در سودان آنچه را ۶ سال پیش در ایران و سپس به شکلی دیگر در لبنان رخ داد، به یاد نمی‌آورد. روشن است که تجاوز اسرائیل علیه لبنان، به احساسات ضد آمریکایی در کل جهان عرب دامن زد. غیر از این هم نمی‌تواند باشد. مگر این آمریکا نبود که حتی اقدامات به وضوح غیرقانونی متجاوز، مانند انتقال اخیر ۱۲۰۰ زندانی اردوگاه انصار به اسرائیل را مورد حمایت قرار داد؟

ولسکی در ادامه تفسیر خود، می‌نویسد واشنگتن اینک مشی خود را بر رژیم‌هایی استوار کرده است که در صدد "اسلامی کردن" حیات کشورند، و می‌افزاید بازگشت به قرون وسطی - آن گونه که ضیا الحق و نمیری به عمل درآورده‌اند - ظاهراً آخرین برگ واشنگتن در کشورهای اسلامی است.

اخباری از افغانستان

در کابل اعلام شد شمار اعضای سازمان دمکراتیک زنان افغانستان از مرز ۲۵ هزار گذشت. این سازمان فعالیت‌های وسیعی در زمینه‌های فرهنگی و آموزشی انجام می‌دهد. به برکت فعالیت این سازمان است که در سال‌های اخیر نقش زنان در زندگی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی افغانستان افزایش چشمگیری یافته است. در حال حاضر، بیش از ۲۵۰ هزار تن از زنان افغانی در مدارس، بیمارستان‌ها، کارخانه‌ها و ادارات به کار مشغولند. در آموزشگاه‌ها و کارگاه‌های ویژه‌ای، زنان صنایع دستی را می‌آموزند. صدها کلاس سوادآموزی برای زنان تشکیل شده است.

در کابل "جرگه بزرگ" که یک گردهمایی وسیع سنتی برای بررسی مسائل مهم دولتی است تشکیل جلسه داد. در این گردهمایی حدود ۲ هزار نماینده از همه استان‌ها و ملیت‌های افغانستان شرکت کردند و درباره مسائل گوناگون سیاست داخلی و خارجی به بحث نشستند. از موضوعات مهم دستور کار این مجمع، چگونگی تضمین رخنه‌ناپذیری مرزهای جمهوری دمکراتیک افغانستان بود.

تاسیسات نظامی جدید اسرائیل در جنوب لبنان

ارتش اسرائیل هم اینک دست اندر کار ایجاد استحکامات جدید نظامی در منطقه اشغالی جنوب لبنان است. به گزارش روزنامه‌های بیروت، در روزنامه‌های اخیر واحدهای اسرائیلی ۵ پایگاه جدید نظامی در جنوب لبنان ایجاد کرده‌اند. ایجاد این پایگاه‌ها در فاصله ۱۰ الی ۱۵ کیلومتری مرز اسرائیل

و لبنان در چارچوب تلاش اسرائیل برای ایجاد یک به اصطلاح "نوار امنیتی" در جنوب لبنان انجام می‌شود. دولت اسرائیل با اعلام عقب‌نشینی نیروهایش به خط متصل‌کننده این ۵ پایگاه، مدعی شده است که این عقب‌نشینی به معنای خروج از لبنان است. لازم به یادآوری است صهیونیست‌ها که بر اثر مقاومت روزافزون مردم و میهن‌پرستان لبنان وادار به عقب‌نشینی شده‌اند، هم‌چنان برای خود و قبیحانه "حق" تجاوز مجدد به مناطق تخلیه شده را به بهانه "تعقیب تروریست‌ها" قائل می‌گردند.

زغفرانیه - حلبی آباد

زغفرانیه:

کاخهای معلق میان مه
مرمرهای شفاف
تالارهای آینه‌بندان
چلچراغهای بی حوصله بر طاق نماها
دیوارهای گیاه و گل
ماه، بر خیزاب استخرها تاب می‌خورد
(آهای بالانشین!)

این مروراید را از کدامین خون
صید کردی؟

حلبی آباد:

دینک، دینک، دینک
باد، شلاق می‌کشد بر حلبی‌ها
ماه، گمشده درورای دود و درد
کاسه‌ها خمیازه می‌کشند
وسفره‌هایی خاطره‌اند!
بسیار گشتم اما هرگز نیافتم
شاخه‌تی گل
حتی یک شاخه در حلبی آباد.
تنها زنان گمشده در خویش
و کودکان شناور در تاریکی.

زغفرانیه:

زباله‌های معطر
کوچه‌های موش‌باز
آنان که بهشت موعود را به پوزخند طلعه
می‌زنند
چه بسیاری که تن می‌شویند در چشمه شیر
چشمه شراب
و می‌خواهند در سایبان گل‌های خمیده بر
بسترها.

قدم گذاری بر مرمر و آئینه
دخترانی که آینه‌پر خاسته‌اند
و پیرهنانی که هر شب
بر رخت آویز تازه می‌آویزند!
(آهای ملکه زغفرانیه!
مبادا درین کجاوه مظلله خسته شوی!)

حلبی آباد:

جستار زباله از بی رزق
دختری را دیدم که ستاره بختش
در تاریکی گم شده بود
و مردی را که همه عمر
گمشده‌ی می‌جست بنام زندگی!
و مردانی را که در شران
جانور طغیان رشد کرده بود!
و مردانی را که در آینه‌ی شناور بودند
و مردانی را که
نام نوشته بودند در یک طبقه جهانی!
(زلزله گرسنگی.
حلبی آباد می‌لرزد!)

زغفرانیه:

کشوری کوچک در سرزمین بزرگ
مردابی سیرناشدنی که می‌مکد خون
حلبی آباد را
بین بسترهای زغفرانیه می‌بینند همواره
عبور و محترکان، زورمداران و غاصبان را
بین بسترهای زغفرانیه می‌بینند هم چنین
توفانی را که بر می‌خیزد از حلبی آباد
(آهای مرد بازرگان!
در گاوصندوق خانه‌ات چه داری؟)
چلچراغها، توفان روشنائی را می‌چرخانند
در شبهای زغفرانیه
اما ما، رویایی آشفته داریم
چرا که می‌چرخد همواره مشعلی
پستویه پستودر حلبی آباد!

حلبی آباد:

زنی را دیدم که همواره نعل خویشت را
بر کرده می‌کشید
و کودکی را که رویای پدر و مدرسه را
سیر خشت می‌نهاد
(آهای مرد تهیدست!
این زخم دشنة کیست بر کرده‌ات؟)
آوازی تلخ در رگهای زندگی
کارگری را دیدم که هیبت دیدگانش
آرامش زغفرانیه را می‌آشفست
(آهای پاپرمه!
آوازه‌های خشم را چه کسی به تو آموخت؟
شمع اندامت در کدامین کاخ زغفرانیه
آتش شد!
زیبایی و عشقت از کدام توفان متلاشی شدند
دستهایت، دستهایت در کدام ستار
باقی ماندند؟)

زغفرانیه:

زمین زیر کاخها می‌لرزد

حلبی آباد:

دلها به هم راه بسته‌اند
و مشعلی می‌چرخد کوی به کوی
و می‌آشوبد رویای زغفرانیه را
در اول ماه مه

مانی

همدان ۱۹/۱۲/۶۱

پیام دبیرکل حزب کمونیست کانادا
به مناسبت شهادت رفیق مؤذنی پور

دبیر کل حزب کمونیست کانادا به مناسبت
شهادت رفیق مؤذنی پور برای کمیته مرکزی سازمان ما
پیامی فرستاده؛ در بخشی از پیام چنین آمده است:
در آغاز سال جدید خبر شهادت قربانعلی
مؤذنی پور، عضو مشاور کمیته مرکزی سازمان شما و
یکی از رزمندگان انقلابی ایران را شنیدیم. این
نمونه وحشتناکی از سیاستهای سرکوب و شکنجه
نیروهای مرفقی ایران بوسیله حاکمیت جمهوری
اسلامی ایران بود.

ما رونوشت نامه اعتراضیه مورخه ۱۴ فوریه
۱۹۸۵ خود را که به سفارت ایران در اتاوا (کانادا) در
اعتراض به این سیاست و باخواست آزادی کلیه
زندانیان سیاسی ایران ارسال داشته بودیم، برای شما
می‌فرستیم.

ما خواهان همبستگی هر چه بیشتر بین حزب
کمونیست کانادا و سازمان شما و سایر نیروهای مرفقی
و دموکرات ایران در راستای مبارزه بخاطر استقلال -
آزادی و عدالت اجتماعی می‌باشیم.

با درودهای رفیقانه

دبیر کل حزب کمونیست کانادا دلیو. ام. کاشتن

در نامه اعتراضیه حزب کمونیست کانادا که در
تاریخ ۱۴ فوریه ۱۹۸۵ به سفارت جمهوری اسلامی در
اتاوا تسلیم شد، آمده است:

"حزب کمونیست کانادا در وحدت با تمام
نیروهای مبارز و دموکرات علیه سیاستهای سرکوب
میهن پرستان و نیروهای دمکرات ایران اعتراض
می‌کند."

"حزب کمونیست کانادا همراه با تمام
نیروهای مرفقی جهان درخواست می‌کند:

محکومیت تمام کسانی که در دادگاههای مخفی
محاکمه شده‌اند، لغو گردد و محاکمات باید در دادگاه
علنی و با احترام کامل به حقوق قانونی زندانیان در
دفاع از خود، صورت پذیرد، همچنین این محاکمات
باید با حضور هیئت ناظرین بین المللی برگزار شود.
ما خواهان آزادی بدون قید و شرط کلیه میهن پرستان
ایرانی که تحت عنوان زندانیان سیاسی در زندانهای
جمهوری اسلامی، اسیرند می‌باشیم.

ما خواهان ارسال این اعتراضیه و درخواست -
هایمان به دولت جمهوری اسلامی می‌باشیم.

دبیر کل حزب کمونیست کانادا دلیو. ام. کاشتن

AKSARIYAT
NO.54
MONDAY APR. 29.85
Address: آدرس:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

هزینه چاپ این شماره "اکثريت" را
رفقای لس آنجلس (آمریکا) به مناسبت نوروز
تأمین کردند
کلمات مالی رسیده
رفیق م ازکیل ۲۰ مارک
رفیق البار از هندوستان ۱۵۰۰ روپیه
رفیق م از لندن ۲ سکه طلا

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا!